

سرمقاله ...

حماس و پدرخوانده اش در پی چه بودند؟

منصور امان

در میان چيستانه‌های بسياری که يورش حماس به اسرائيل به جا گذاشته، یک مُعما حل شده است و آن خاستگاه و انگيزه اين جريان و پدرخوانده های آن از اين حمله خونين است. عوامل چندگانه ای اينان را به برانگيختن یک بُحران تازه با ابعاد تکان دهنده و بی پيشينه تشويق کرده است. اصرار آنها بر اجرائی هرچه فجيع و وحشيانه تر عمليات، نشانه روشنی از خواست آگاهانه برای دامنه دار شدن تاثيرات و واکنشها بدان است، بدانگونه که روندهای عادی و در جريان سياسی و نظامی را مُختل کند.

پُرسش تعيين کننده

روز شنبه ۱۵ مهر، پس از پرتاب چندین هزار موشک به سمت اسرائيل، شُمار نامعلومی از نيروهای حماس از ديوار و منطقه حائل مرزی عبور کرده و پس از پيشروی تا عمق ۲۵ كيلومتری خاک اين کشور، به چند پایگاه نظامی حمله کردند، وارد شهرکها و مزارع اشتراکی (کيبوتص) شدند و دست به گُشتار و رُبايش گسترده غيرنظاميان زدند. دستکم ۲۲ نُقطه گوناگون در طول نوار غزه و ۱۴ شهرک آماج اين حمله قرار گرفت که براساس آمار - تاکنون - دولت اسرائيل، در نتيجه آن ۱۳۰۰ تن کُشته و ۲۷۰۰ شهروند اسرايیلی ديگر مجروح شده اند.

عمليات حماس که در آن نيروها و تجهيزات زيادی به کار گرفته شده بود، به خوبی برنامه ريزی شده و سازمان يافته بود. اهداف به دقت شناسایی شده، پيش شرطهای عظيم لُجستیکي حل و فصل گرديده و سرآخر، مُهاجمان آموزش کافی ديده و عمليات تمرين شده بود.

پيش از اين، عمليات نظامی حماس و جهاد اسلامی بيشتر محدود به ترور شهروندان غيرنظامی اسرايیلی با چاقو يا سلاح گرم و يا زير گرفتن آنها با خودرو می شد. سطح بالاتر عملياتی آن نيز به همين ترتيب از پيچيدگی چندانی برخوردار نبود و با حملات انتحاری و پرتاب موشکهایي ناکارآمد با بُرد کم و حجم محدود مُتمایز می گرديد.

از اين رو پُرسش مُهمی که در رابطه با اين حمله از جانب محافل بسياری مطرح می گردد، علت غافلگيری اسرائيل است. اين کشور در طول سالهای درگيری با اعراب و فلسطينيان، از نظر اطلاعاتی، امنیتی و دفاعی به یک دژ نظامی تبديل گرديده.

بقیه در صفحه ۴

يادداشت سياسی ...

فشل شدن «تدبير» ولی فقيه با يک رويداد و دو نوشته کوتاه

مهدی سامع

صفحه ۲



بهره برداری جنایتکارانه از مردم فلسطين به بهای گسترش فقر در ايران

زينت ميرهاشمی

صفحه ۵

با مردم در شبکه اجتماعی

مرجان

صفحه ۶

سپهر پُر ستاره جنبش انقلابی

اسامی شهيدان جاويد نام

در مهر ۱۴۰۱

صفحه ۱۰

شان دور پتوفی؛

شاعر و قهرمان ملی مجار

م. وحیدی

صفحه ۱۶

يکمين سالگرد جمعه خونين زاهدان

صفحه ۱۷

قاتلها کنار ما قدم می زنند

فتح الله کيانیها

صفحه ۱۲

نجوای رنگها

م. وحیدی (م. صبح)

صفحه ۱۵

در اين شماره

صفحه ۸	چالشهای معلمان (مهر ۱۴۰۲) - فرنگيس بايقره
صفحه ۱۲	رويدادهای هنری ماه (مهر ۱۴۰۲) - فتح الله کيانیها-
صفحه ۱۸	زنان در مسیر رهایی (مهر ۱۴۰۲) - اسد ظاهری
صفحه ۱۹	دانشگاه در ماهی که گذشت (مهر ۱۴۰۲) ... کامران عالمی نژاد
صفحه ۲۲	جنبش رنگين کمان بيشماران (مهر ۱۴۰۲) - پويا رضوانی
صفحه ۲۷	نقش مخرب خامنه ای در تشديد جنگ و تروریسم - زينت ميرهاشمی
صفحه ۲۸	فدایی شهيد رفيق بهنام موحد - امير ابراهیمی
صفحه ۲۸	شهيدای فدایی در آبان ماه

دارد معترض است نسبت به سیاستهای رهبر انقلاب که ام المصائب دیگر مصیبت‌های عملکرد حکمرانی ج. ا است.»
از این گونه حرفها به وفور در رسانه های حکومتی و شبکه های اجتماعی وابسته به شرکای هرم قدرت و پیرامون آن پوشش داده می شود. در چنین شرایطی که ولایت خامنه ای در بحران و بن بست عمیق گزران می کرد و به خصوص هنگامی که راهبرد یکدست سازی کارساز نبوده و راه گریزی از آن هم برای ولایت کارساز نیست، صدور بحران می تواند یک راه حل، هرچند کوتاه مدت، نجاتبخش باشد. عملیات «طوفان الاقصی» می تواند بهترین «فرصت» برای مقام معظم فراهم کند، اگر...

اگر همه چیز در اختیار ولی فقیه باشد و اگر «آبر و باد و مه و خورشید و فلک» به طور هماهنگ «ستون خیمه نظام» را پاسداری کنند، از شرایط و بحران انقلابی گریزی ندارند. این شرایط همچون موریانه ها که به جان «عصای حضرت سلیمان» افتادند، «ولایت خدایی حضرت آقا» را از «عرش» به «فرش» می آورد.

یک رویداد



نیروهای سرکوبگر رژیم برای انتقام از جوانان شورشی، قبل از ظهر روز یکشنبه ۹ مهر با حمله به آرمینا گراوند، دختر دانش آموز ۱۶ ساله، او را در حالت کما روانه بیمارستان کرده و با تهدید و محاصره بیمارستان توانستند از بروز خشم و خروش مردم جلوگیری کنند. پس از این موفقیت و برای انتقام از هنرمندانی که در جنبش انقلابی ژینا، جانب مردم را انتخاب کرده بودند، یک قتل تبهکارانه را برنامه ریزی کردند. شامگاه روز شنبه ۲۲ مهر در یک منطقه بسیار حفاظت شده دو هنرمند برجسته، داریوش مهرجویی، کارگردان و همسرش وحیده محمدی فر، فیلمنامه نویس، را به شکل فجیعی در در کرج «کارداجین» کردند. این جنایت شوک آور موجی از خشم و انفجار ایجاد کرد که در روز چهارشنبه ۲۶ مهر، در مراسم تشییع پیکر این هنرمندان بروز علنی پیدا کرد. اخبار رسانه ها و فیلمهای منتشر شده گواهی دادند، که این مراسم با حضور پُر شمار مردم به شمول هنرمندان و روشنفکران و با وجود حضور نیروهای سرکوبگر برگزار شد و شرکت کنندگان با شعارهای «مرگ بر قاتلان/ مرگ بر خامنه ای/ مرگ بر دیکتاتور/ زن، زندگی، آزادی/ نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران...» آدرس دقیق امران و عاملان این جنایت را معرفی کردند و بدین وسیله تدبیر ولی فقیه برای خاموش کردن صدای جوانان شورشی را نقش بر آب کردند.

دو نوشته

پس از این رویداد تأثیرگذار، مقاله های بسیاری در رسانه ها و شبکه های اجتماعی پوشش داشت که از میان آنها دو نوشته را در پایان این یادداشت، با اندکی ویرایش نگارشی، بازنشر می کنم. انتخاب تیتراژ نوشته اول از من است.

باید با شرمساری اعتراف کرد...

واکنش همایون غنی زاده، کارگردان، فیلمنامه‌نویس، و هنرپیشه، به سخنان مرضیه برومند، مدیرعامل خانه سینما، در مراسم تشییع پیکر زنده یادان داریوش مهرجویی و وحیده محمدی فر.
منبع: اینستاگرام homayounghanizadeh@

یادداشت سیاسی ...

فشل شدن «تدبیر» ولی فقیه با یک رویداد و دو نوشته کوتاه

مهدی سامع

پیش درآمد

شانزده روز است که اسرائیل و حماس درگیر جنگی ویرانگرند که تاکنون هزاران قربانی از مردم غیر نظامی به شمول زنان و کودکان داشته است. روز شنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۲ (۷ اکتبر ۲۰۲۳) بدون تردید نقطه عطف کیفی در سپهر سیاسی خاورمیانه است. این جنگ با وجود بمباران بی امان و بی رحمانه اسرائیل و موشک باران حماس، گرچه سرانجامی به سود مردم فلسطین و اسرائیل ندارد، اما برای جنگ طلبان و بنیادگرایان در دو سوی ستیز سرمایه کلانی انباشت می شود.
این یادداشت به جنگ ضد انسانی جاری نمی پردازد. اما به خاطر فایده تکرار، تاکید می شود که راه حل اصولی و واقعی برای صلح پایدار، با پایان اشغال سرزمینهای فلسطین مطابق با قطعنامه های سازمان ملل و ایجاد دولت مستقل فلسطین در مرزهای ۱۹۴۷ با پایتختی اورشلیم شرقی است. هر راهبردی که نابودی اسرائیل و حماس را در پیش گیرد، شریک کشتار و جنایت در جنگهای مداوم بین اسرائیل و فلسطین است. در شرایط کنونی هم باید آتش بس فوری برقرار شده و به محاصره ضد انسانی غزه پایان داده شود. همزمان سیاست هر فرد و جریانی که خواهان صلح و به رسمیت شناختن راهبرد «دو دولت» است، باید برای منفرد کردن نیروهای بنیادگرا از طریق تقویت نیروهای صلح طلب و مترقی دو طرف تلاش کند. در این تردیدی نیست که با این راهبردها نتانیاهو و خامنه ای به شدت و با تمام نیرو مخالف و از این رو همسو و در عمل متحد هستند.

تدبیر ولی فقیه

با تهاجم ضد انسانی حماس از زمین، هوا و دریا به شهرکهای اسرائیل و بمباران وحشیانه غزه توسط اسرائیل، ولی فقیه نظام به بهترین «فرصت» برای کسب مقام اول برنده شدگان جنگ دست یافت. پیش از آن ولایت او از هر سو با بحرانهایی درگیر بود که پایه های نظام را به گِل فروبرده بود. جنبشهای اجتماعی در گوشه و کنار کشور هر روز خیابان را به میدان جدال با رژیم تبدیل کرده بودند. روزهای جمعه و شنبه ۷ و ۸ مهر، خروش مردم قهرمان بلوچستان با سردادن شعار «مرگ بر خامنه ای» و در روز جمعه ۲۸ مهر با شعار «قسم به خون یاران، ایستاده ایم تا پایان»، بر شیپور تداوم جنبش انقلابی دمیدند.

در صحنه منطقه ای در پروژه «صلح ابراهیم» بازنده اول جمهوری اسلامی و شخص ولی فقیه بود. در عرصه جهانی دود و دم دستیابی به شش میلیارد دلار با رگباری از شک و تردیدها فرو نشست.

همه این رویدادها تضادهای درونی هرم قدرت را بیش از پیش تشدید شد. روزنامه حکومتی جوان وابسته سپاه پاسداران در شماره روز چهارشنبه ۵ مهر هشدار داد که «ارزشها از بین نرفته هنجارها از جا درزفته» است.

نگرانی همیشگی خامنه ای از حوزه های قم را در سخنان روز دوشنبه ۱۰ مهر آخوند احمد خاتمی، عضو مجلس خبرگان می توان درک کرد. او در مراسم افتتاح سال تحصیلی جدید یکی از مدرسه های فقهی قم به درستی گفت: «براندازی نظام جمهوری اسلامی از اهداف جریان ضد انقلاب [بخوانید مردم] است که در اغتشاشات [بخوانید جنبش انقلابی] سال گذشته شاهد این امر بودیم... طلاب باید در راستای تحصیل علم و همچنین دفاع از ولایت ثابت قدم باشند و در موضوع دفاع از ولایت فقیه بی طرفی اختیار نکنند... برخی از حوزویانی که اهداف دشمنان را دنبال می کنند به آنان این مأموریت سپرده شده که حوزه را حوزه انقلابی نشان ندهند» (خبرگزاری حکومتی مهر)

اندکی پیش از روز شنبه ۱۵ مهر، شهاب الدین حائری شیرازی، که خود را از لباس آخوندی خلع کرده در کانال تلگرام خود (ویرایش ذهن) نوشت: «عملکرد جمهوری اسلامی ایران هر روز فجیع تر می شود روزی تنها اندکی از نخبگان از این حاکمیت فاصله گرفتند، روزی چندان مرز میان حق و باطل روشن نبود. امروز اما هر کس ذره ای وجدان

یادداشت سیاسی ...

فَتَل شدن «تدبیر» ولی فقیه با یک رویداد و دو نوشته کوتاه

بقیه از صفحه ۲

«این روش التماس به حکومت سالها سنت ما ملت بود! باید با شرمساری اعتراف کرد ما هنرمندان و اهل فرهنگ سالها از جریانات برجسته و تاثیرگذار این سنت زشت بوده ایم. سنت زشتی آمیخته و آلوده به چاپلوسی و ریا به منظور ایجاد روزنه ای از ترحم سیستم! باید اعتراف کرد بخش بزرگی از ما درگذشته باصدای بلنددروغ می گفتیم! درباره حجاب! درباره سانسور! درباره خوبیهای فلان مسئول! درباره نگاه قناس حکومت به مسائل خرد و کلان! حالا مدتی ست آرام آرام داریم تمرین می کنیم تا از این روش برگردیم! اما هنوز بخشی از جامعه هنری روی ریل آن سنت زشت و کریه ریا جملات ترحم انگیز می گویند! ما نیاز نداریم به حکومت بگوئیم: ما ایران را دوست داریم! بلکه دیگر این ما هستیم که به علاقه حکومت و دلیستگی اش نسبت به ایران مشکوک شده ایم! ایران در این روش و منش حکومت طوری فاقد اهمیت است که به نظر سیستم تنها می خواهد ایران را مصرف کند و هیچ سد جدی ای هم سر راهش نمی بیند. بدبختی آن است با آنکه اکثر ما با توجیهاتی سست این مسیر ریا و چاپلوسی را در مواجهه با حکومت آزموده ایم، حداقل پاسخی هم نگرفته ایم. درست زمانی که به سیستم برای کمی عقب رفتن روسری بازیگر التماس می کردیم! یا نسبت به سانسور و حذف و ممنوع الکاری همکارانمان با حکومت تعامل می کردیم درست همان زمان داشتیم با دستان خودمان قیافه امروز حکومت را از پشت تریبونها بزکی دروغین می کردیم. امروز که بخش بزرگی از اهالی فرهنگ و مردم دارند سعی می کنند دربرابر حکومت دست از ریا بشویند و با هزینه تمرین صداقت کنند! غم انگیز است که بخشی هنوز دارند با همان سنت و با فرمولهایی از همان روش زشت، از فضای خالی ای که باحذف و ممنوع الکاری و مهاجرت و حالا قتل ایجاد می شود کمال سواستفاده را ببرند. گویی این فضای خالی درسالنهایی سینما و تئاتر، در تحریریه ها، در پست و پیش دوربینها، در انتشارات، در کنسرتها و هزاران جای دیگر موهبتی ست برای در اختیار گرفتن انحصاری آنها! موهبتی ست برای به چنگ آوردن موقعیتهای مالی و کاری غایبان! گویی نگران هو! شندها و تحقیر شدنها توسط همین مردمی که امروز تماشاچیان می کنند نیستید. ما از گوشه خانه هایمان! از کنج سلولهای زندان مان! از پنجره ای بیرون از وطن مان! و از میان گورهایمان! به شما خیره شده ایم و گلویمان دریده می شود وقتی برای نرم تر شدن چماق تحقیر و سرکوب یا اعتباری تقلبی و یا برای پول التماس می کنید و چنگ به صورت مردمی که هزینه می دهند می اندازید و این سد را طوری می شکنید که گویی هیچ اتفاقی نیافتاده است. این خیانت است.» همایون غنی زاده

جایگاه و اهمیت مراسم دیروز تهران برای قربانیان قتلهای زنجیره ای!
نویسنده خود را معرفی نکرده

«۱. مراسم امروز تهران [چهارشنبه ۲۶ مهر]، برای داریوش مهرجویی و وحیده محمدی فر، مراسم بسیار بسیار با اهمیتی برای کل جامعه ایران بود. اول از همه به این خاطر، که دفتر شایعه پراکنی، مهاجر ستیزی و سروداندن مردم توسط جمهوری اسلامی و نیروهای سایبری اش را بست. تمام! این مراسم، نقطه پایان گذاشت به مشغول کردن مردم به جزئیات و در بردن حکومت. داشتند عین سناریوی زدن هوایماید اوکرائینی، که پنج روز تمام دروغهای مختلف بافتند، جامعه را، مشغول داستانهایی الکی می کردند. دو نفر را طبق قوانین اسلام و با شابلون قتلهای زنجیره ای کارداجین کردند، بعد در شبکه های اجتماعی، مشغول تحمیق مردم بودند. این مراسم، نقطه پایان گذاشت به این بازی جمهوری اسلامی با افکار عمومی مردم. یک صدا شعار دادند که خامنه ای قاتل است. زن، زندگی، آزادی!

به صورت تک تک آدمهایی که آنجا حاضر شدند، حتی غیر هنرمندان، کسانی مثل نسرین ستوده، یا وریا غفوری نگاه کنید، اصلن نفس حضورشان در این مراسم، یعنی این که ما می دانیم خود شما قاتلید. اگر داریوش و وحیده را خاک می کردند و فوفش دویست نفر از آشنایان و فامیل جمع شده بودند، عقبگرد عظیمی می کردیم. چک سفید داده بودیم

به کارداجین کردنهای بعدی. فردا همان باغبانی را که گرفتند دار می زدند، می گفتند ایشون این زوج را کشته است. الان ولی، بعد این مراسم، حقیقت مهر و موم شد که خودشان کشتند. گرد کردند. تمام کردند. قاتل به جامعه معرفی شد.

۲. این، مراسم خاکسپاری دو تن از اعضا خانواده سینما نبود که لابد از بیماری سرطان درگذشتند یا سیل آنها را برده است. مردم و اهالی سینما جمع شدند، اعلام کنند اینها قربانیان قتلهای زنجیره ایی هستند و ما اینجا جمع شدیم که علیرغم سرکوب شدید امنیتی، در چشم شما نگاه کنیم و بگوئیم تمام شد دوره ایی که کارداجین می کردید و ما می ترسیدیم. تمام شد! رو در روی ماموران امنیتی ات شعار مرگ بر خامنه ایی می دهیم و با زن، زندگی، آزادی اعلام می کنیم این انقلاب، که تو نمی بینی و از ترست کارداجین می کنی، آتش زیر خاکستر است. این مراسم، جواب علنی و قدرتمند در حد وسع کنونی جامعه ایران، به جنایت جمهوری اسلامی بود. بسیار مهم بود کاری که مردم و اهالی شریف سینما کردند. ۳. این صرفن، مراسم عزاداری و گریه زاری نبود. تظاهرات سیاسی علیه قاتل بود. از دختر معصوم و تراوما دیده اش که بی حجاب ظاهر شده و اعلام کرد قاتل در بین ماست تا اینکه حتی خبرگزاری ایسنا مجبور شد بنویسد که مردم در مقابل تالار وحدت، شعار می دادند: «دروغ بر مهرجویی، مرگ بر قاتلان.» شعارهای خود این مراسم علیرغم حضور لباس شخصیها، حتی هو کردن مرضیه برومند، یک ابراز وجود سیاسی و مبارزاتی آبرومند علیه جنایت بود. جمهوری اسلامی کارداجین کرد که ساکت کند، بدتر شد. علیه شخص اول این حکومت شعار دادند. او را قاتل معرفی کردند.

۴. اگر با انقلاب مهسا، عمارت هنری جمهوری اسلامی و مشخصن عمارتی که سپاه ساخته بود فروریخت، دسته دسته هنرمندان به مردم و انقلاب پیوستند، حجاب از سر کشیدند، امروز در مراسم مهرجویی، سینمای جمهوری اسلامی به طور تمام و کمال به خاک سپرده شد. امروز دیگر، حتی مهران مدیری هم سیاهپوش شده بود. باید می شد وگرنه فردایی برای او در میان هنرمندان این کشور متصور نبود. در گریه های مانی حقیقی، حتی در اشکهای کیمیایی می شد نفرت از این وضع و خشم به قاتلان حاکم را دید. یک زمانی، جمهوری اسلامی خود این آدمها را جمع می کرد، با آنها فیلم و سریال می ساخت تا نشان بدهد که مثلن سلیمانی قاتل، شخصیت وطن پرست و قهرمان آن مملکت است. الان کلیه این آدمهای شناخته شده جمع شدند، نشان بدهند که آنها که حکومت می کنند قاتلان قتلهای زنجیره ایی اند. مهرجویی و محمدی فر را به طرز فجیعی کشتند، اما فجیع تر از آن، خاکسپاری عمارت فروپاشیده هنری سپاه در انظار مردم بود. این مراسم برای جمهوری اسلامی تبعات بزرگی خواهد داشت. هر چه باشد سینما و هنر، ایریگ محافظ حکومت بود. الان حکومت قاتل لخت و بی دفاع است، دور این آدمها اما، مردم جمع شدند تا علیه حاکمیت تظاهرات کنند.

۵. هو کردن مرضیه برومند یعنی اینکه این جماعتی که آنجا حضور داشت، حتی صحبتهای درجه صدم طرفدار سیاستهای این حکومت را هم بر نمی تابند. خیلی جالب است این واقعه اگر در آلمان یا سوئد رخ داده بود، با فرض قتل غیر دولتی، کلیه وزیر و زرا و سیاستمداران درجه یک در مراسم خاکسپاری حضور داشتند. جمعیت مرضیه برومند را هو کرد چون حرفهایش با چند دست شستن و اطو کردن هم، باز شبیه افراد حاکمیت بود. یک نفر از عوامل حکومت را راه ندادند زر مفت بزنند. این یعنی قاتل، جایش در مراسم مقتول نیست. یعنی دست شماها برای ما رو شده است و در عین حال ما از شماها نمی ترسیم!»

و سرانجام

بحران و شرایط انقلابی عمیق تر و ابعاد آن گسترده تر از آن است که ولی فقیه نظام بتواند با استفاده ایزاری از مردم محروم و ستمدیده فلسطین آن را مهار کند. هر جرعه ظرفیت انفجاری داشته و جنبش انقلابی جاری با آفت و خیزهای آن ادامه دارد. بانو مژگان افتخاری، مادر مقاوم شهید مهسا ژینا امینی در اینستاگرام خود نوشت: «ژینا گیان [جان] دختر شیرینم از خواب برخیز تا ببینی نامت امروز در سراسر جهان طنین انداز شده، چشمانت را باز کن تا ببینی امروز خانواده ای به بزرگی همه مردم دنیا داری»

سرمقاله ...

حماس و پدرخوانده اش در پی چه بودند؟

منصور امان

بقیه از صفحه ۱

با اشغالگران اسرائیلی بیشتر کاراکتر دفاعی داشته است، این حمله به مردم فلسطین و ملت‌های عرب نشان داد که حماس قادر به عملیات بزرگ تهاجمی در خاک اسرائیل است و می‌تواند به آن ضربه نظامی وارد کند. داشتن توانایی نظامی و عملیاتی به ویژه در جریان یک بحران خونین دائمی، این جریان را از یک امتیاز بزرگ نسبت به رقبایش برخوردار می‌کند که به گونه مجرد می‌تواند وزنه ای سنگین در موازنه قدرت و پایگاه اجتماعی باشد.

بحران اقتصادی

عامل کلیدی دیگری که حماس را به افزایش تعداد و سطح درگیریها با اسرائیل تشویق می‌کند، شرایط وخیم اقتصادی غزه ی زیر حکمرانی اوست. از سال ۲۰۰۷ که این گروه بنیادگرا پس از یک درگیری خونین با «فتح» کنترل این باریکه را به دست گرفت، شرایط زندگی کمی بیش از دو میلیون فلسطینی ساکن آن روز به روز سخت تر شده است.

براساس گزارش یونسکو UNESCO در آردیبهشت سال جاری، نرخ فقر در نوار غزه ۵۳.۱۴ درصد است و منبع اصلی گذران زندگی ۸۰ درصد جمعیت آن کمکهای بشردوستانه خارجی یا رشوه هایی است که قطر و ج.ا در حقیقت برای نگه داشتن حماس در قدرت به غزه پمپاژ می‌کنند. درصد بیکاری شهروندان بیش از ۴۰ درصد است که ۷۴ درصد آن را جوانان تشکیل می‌دهند. سیستمهای بهداشت و درمان و آموزش از نظر کمیت و کیفیت با شتاب رو به افول گذاشته و در پاسخگویی به نیازهای جمعیت رو به تزاید، ناتوان و فلج گردیده.

کمی پیش از بروز بحران جدید، صندوق بین المللی پول در گزارشی نوشت: «اقتصاد فلسطین در وضعیت رکود بسر می‌برد و در میانه یک وضعیت بی ثبات امنیتی و اجتماعی قرار دارد.»

اسلام سیاسی هر آنجا که به قدرت دست یافته باشد، در پهنه حکمرانی عملکرد و مژدهای مشابهی دارد. شرایط امروز در قلمرو زیر فرمان حماس از بسیاری جهات شبیه شرایط ایران زیر حاکمیت رژیم ولایت فقیه است؛ دو نقطه بحرانی با انبوه مرئومی که زیر فشارهای پایان ناپذیر و شدت یابنده اقتصادی روزگار می‌گذرانند و سطح زندگی و معیشت آنها در انتهای جدول استانداردهای معمول بین المللی سیر می‌کند.

همچون غزه در ایران نیز امور ساده زندگی مدنی مانند آب، برق، هوا، حمل و نقل، بهداشت و درمان، آموزش و جز آنها چالشهایی غلبه ناپذیر شمرده می‌شود، هیچ شفافیتی در پهنه درآمد و مخارج دستگاه حاکم وجود ندارد. رسانه ها، مشارکت مدنی و مخالفان سیاسی سرکوب می‌شوند و مطالبه حقوق و زندگی با گلوله و زندان پاسخ می‌گیرد. در غزه نیز همچون ایران یک رژیم مستبد، ناکارآمدی و فساد خود را با تحمیل قواعد شرعی رفتار، ترویج خرافات مذهبی و تجاوز پیوسته به گستره زندگی شخصی شهروندان ماله کشی می‌کند. همانند غزه در ایران هم تحریکات و شرارت خارجی حاکمان بدون هر گونه تأثیر واقعی یا وجود چشم انداز فقط به مصرف بقای آنها می‌رسد و در عوض، تمامی پیامدهای مخرب اش بر سر مرئومی که نقشی در آن نداشته اند، خراب می‌شود. و بالاخره در غزه نیز مانند ایران، دستگاه حاکم و کارگزارانش در لجنزار فساد اقتصادی حمام آفتاب می‌گیرند. رهبران حماس به همراه خانواده در هتلهای پنج ستاره در استانبول، دوحه، دبی یا بیروت می‌آسایند و از همانجا هم فرمان «جهاد» می‌دهند، با جت خصوصی بیلاق و قشلاق می‌کنند، از قاچاق نفت و بنزین از مصر و معاملات مسکن در ترکیه، عربستان و شیخ نشینهای خلیج فارس سودهای سرشار به جیب می‌زنند و آقازاده های شان رها از جنگ و گرسنگی، در سواحل امن به کسب و کار یا خوشگذرانی و خرج این درآمدها مشغولند. گزارشات بسیاری در مورد درآمد، دارایی و سبک زندگی لاکچری آقایان اسماعیل هنیه، خالد مشعل، طاهر النونو، ابراهیم صلاح، سامی ابوزهری، صلاح محمد ابراهیم البردویل و جز آنها وجود دارد که پرداختن به آنها خود به نوشته مستقل دیگری نیاز دارد.

انگیزه ج.ا برای حمله

طرف دیگری که از بحران سود می‌برد، رژیم ولایت فقیه است که استراتژی توسعه فرقه ای و تضمین امنیتی آن به گونه غالب گرد پایدار ماندن بحران اسرائیل - فلسطین اندیشیده و چیده شده است. مساله فلسطین و رنج و درد یک بقیه در صفحه ۷



دستگاههای امنیتی آن به گونه گسترده ای در گروههای فلسطینی، دولت‌های هدف و شهروندان عادی نفوذ کرده و دارای منبع می‌باشند. از سوی دیگر، اسرائیل در سطح گسترده ای ارتباطات الکترونیکی حمل پذیر یا ثابت در منطقه و به ویژه در پیرامون بی واسطه خود را شنود و پایش می‌کند و به اطلاعات و تصاویر ماهواره ای دسترسی دارد.

با این پیش زمینه، شگفت آور می‌نماید که چگونه طراحی و تدارک عملیاتی در این سطح و با این حجم از نیرو و تجهیزات از چشم دستگاههای مربوطه در اسرائیل دور مانده باشد. در این رابطه باید دو فاکتور برجسته را در نظر گرفت که پنهان سازی آنها به ویژه در یک شرایط جنگی - مانند آنچه که به گونه مداوم بر مناسبات حماس و جهاد اسلامی با اسرائیل حاکم است - بسا دشوار است. نخست آنکه حماس از نظر تکنیکی، لجستیکی و دانش نظامی به تنهایی توانایی انجام این عملیات را نداشته و به کمک فعال خارجی وابسته بوده است. سپس، حمله مزبور محصول یک سازماندهی کوتاه مدت نیست، بلکه در طول یک دوره به نسبت طولانی، گام به گام پخته و آماده شده. هر دوی این عوامل نقاط ضعف جدی عملیات بوده و ردیابی و شناسایی آن را بسیار ممکن می‌ساخته است.

انگیزه حماس برای حمله

به همان اندازه که پرسش در مورد غافلگیر شدن اسرائیل باز است، پیرامون دلایل و خاستگاه شروع یک بحران دیگر و این بار در ابعاد کلان، پاسخ روشن است و آن را در پهنه ای در همین ابعاد و ژئوپولیتیک می‌توان یافت. از همان هنگامی که پروسه نزدیکی اعراب و اسرائیل به گونه غیر رسمی آغاز شد و سپس در قالب «پیمان ابراهیم» شکل مشخصی به خود گرفت، مساله فلسطین و چگونگی حل عادلانه آن که پیش از این در سیاست دولتهای عربی در برابر اسرائیل نقش قُطب نما را بازی می‌کرد، به تدریج به حاشیه رفت. این به معنای خروج یک فاکتور مهم در بحران اسرائیل - فلسطین و در پیامد آن کاهش نقش آن دسته از نیروهای فلسطینی بود که موجودیت و قدرت خود را مدیون درگیری و تنش بودند و بدین اعتبار، هرگونه راه حل سیاسی را رد می‌کردند. برنده این فرآیند در توازن قدرت، دولت خودگردان و «فتح» است که به دلیل گرایش آن به یافتن راه حل سیاسی و پدیدار شدن در قالب دولت، حمایت دولتهای عربی را خواهد داشت. حماس از چنین فرآیندی بیرون می‌ماند و قدرت آن گام به گام همراه با استحکام مناسبات جدید، رو به زوال خواهد رفت.

مُتد حماس برای کارشکنی در فرآیندهای سیاسی، ثابت شناخته شده است. سه دهه پیش، در سال ۱۹۹۳، وقتی توافق آسلو بین دولت اسحاق رابین و سازمان آزادیبخش فلسطین (فتح) امضا شد و حل مسالمت آمیز بحران در چشم انداز قرار گرفت، حماس با حمله انتحاری به یک اتوبوس در تل آویو و سپس رشته عملیات انتحاری دیگر به این تحول واکنش نشان داد و تلاش کرد آن را از درون مُنفجر کند.

تهاجم روز شنبه همچنان که به لحاظ بین المللی تلاشهایی را که در این جهت صورت می‌گیرد به تعلیق می‌اندازد، همزمان ادعای حماس بر رهبری فلسطینیها را پُررنگ می‌کند. در حالی که در دهه های اخیر درگیریهای بزرگ

بهره برداری جنایتکارانه از مردم فلسطین به بهای گسترش فقر در ایران

زینت میرهاشمی

تروریستی، پایان دادن به سیاست ممانشات و به رسمیت شناختن حق مردم برای سرنگونی رژیم استبداد مذهبی و اینکه مردم ایران خود سرنوشت خودشان را تعیین کنند. از اینرو سیاستی که به رژیم برای پیروز شدن بر ویرانه های فلسطین یاری رساند علیه منافع مردم ایران است.



صحنه های دردناکی که این روزها در برابر دیدگان همه در رسانه ها رژه می روند، همان چیزی است که خامنه ای می خواست. به بهانه تهدید و حضور «دشمن»، قیامهای مسالمت آمیز مردم را به خون کشید، جوانان و کودکان را سلاخی کرد و سفره معیشت تا جان مردم برای امنیت رژیم گروگان گرفته شد. بیش از ۴ دهه است که رژیم در صدور بحران و ایجاد تنش در منطقه، زیست می کند. رژیم با تولید موشک و صدور سلاح و پول و تقویت تروریسم اقتصاد را چنان بحرانی کرده است که فقر در برابر فلاکت به حاشیه رفته است.

ایران کشوری ثروتمند با مردمی فقیر و حکومتی فاسد و غارتگر است. در حالی که ایران در بین ۵ کشور از نظر ذخایر نفت رتبه سوم و از نظر ذخایر گاز رتبه دوم را دارد، فقر مرتب بازتولید می شود. بر اساس داده آماری یک عضو انجمن اقتصاددانان، در ایران حداقل ۴۵ میلیون نفر فقیر هستند. (پایگاه خبری آفتاب ۲۹ مهر). بیش از ۴۲ درصد بیکاران ایرانی، تحصیلات دانشگاهی دارند. (سلامت نیوز ۲۹ مهر ۴۰۲)

بر اساس گزارش روز ۲۹ مهر وبسایت دولت بهار «از سال ۸۹ تا کنون حداقل حقوق کارگران از ۳۰۳ هزار تومان در ماه به ۵ میلیون و ۳۰۸ هزار تومان رسیده و ۱۷ برابر افزایش یافته است اما ارزش دلاری آن به یک سوم رسیده است». کاهش ارزش ریال در حالی است که مردم به ریال مزد می گیرند اما به دلار خرج می کنند. سقوط ریال در برابر دلار در حالی است که صولت مرتضوی وزیر کار رئیسی در اجلاس جهادگران اقتصادی گفت: «ما در حوزه اقتصاد از اولین اقتصادهای جهان هستیم.» (خبربان ۳۰ مهر ۴۰۲)

در مطلبی در دنیای اقتصاد به تاریخ ۲۵ مهر، به مناسبت روز جهانی ریشه کنی فقر (۲۵ مهر) آمده است: «فقر در ایران طی یک دهه اخیر پر رنگ شده است و حدود یک سوم از جمعیت کشور در زیر خط فقر قرار گرفته اند.»

بر اساس گزارش سایت دیده بان ایران به تاریخ ۲۵ مهر، «در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بیش از ۵۵۶ هزار نوجوان ایرانی از تحصیل بازمانده اند که بیش از ۲۹۵ هزار نفر آنها پسر و بیش از ۲۶۱ هزار نفر هم دختر هستند». این گزارش اصلی ترین دلیل ترک تحصیل دانش آموزان را «فقر و محرومیت» ارزیابی کرده است.

وقتی مردم ایران در چنین شرایط فلاکت بار معیشتی زندگی می کنند، اعتراضهای بازنشستگان و دیگر نیروهای کار در کف خیابان در جریان است، هموطنان شجاعان در بلوچستان روزهای جمعه را تبدیل به کابوس خامنه ای کرده اند، به نفع مردم است که امکان بهره برداری مزورانه رژیم از شرایط خشم مردم جهان علیه جنگ به نفع صلح گرفته شود.

به راستی رژیم ولایت فقیه با مردم ایران چه کرده است که باوجود هزینه های کلان، به نام مردم فلسطین و به کام نیروهای ارتجاعی بنیادگرا، تنها تعداد محدودی در تظاهراتهای حکومتی در دفاع از فلسطین شرکت کردند و این در حالی است که در کشورهای دیگر، تظاهراتهای بزرگی علیه جنگ و در دفاع از مردم فلسطین برگزار شده است. دستاورد مخرب رژیم در کاسبی با خون مردم فلسطین تا جایی مردم را خشمگین کرده است که شعار «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» تبدیل به یک شعار در حرکتی اعتراضی مردم شده و متأسفانه در ورزشگاه در برابر نمایش حکومتی (حمل پرچم فلسطین) به پرچم مردم فلسطین توهین می کنند. این گونه بروز خشم مردم در حقیقت تنفر به ماجراجوییهای تروریستی در منطقه به بهای فقیرتر شدن و خالی شدن سفره مردم است. پاسخ مردم را می توان در این فرمول ساده حکومت دید. تحمیل فقر و ریاضت کشی به اسم اقتصاد مقاومتی به سود سیاست خارجی «محور مقاومت» در کشورهای سوریه، عراق، یمن، لیبی و... برای «تأمین امنیت» دیکتاتوری ولایت فقیه. صدور تنش و بحران برای «بیداری اسلامی» به معنی بنیادگرایی اسلامی.

بدون شک آثار پنجه های خون رژیم بنیادگرای ولایت فقیه بر ویرانه های غزه، بر پیکر کودکان و زنان بی سرپناه و جنگ زده فلسطینی نقش انداخته است. با مروری بر سیاستهای رژیم در استفاده ابزاری از مردم فلسطین می توان گفت که حمله جنایتکارانه نیروهای بنیادگرای حماس و جهاد اسلامی به مردم غیر نظامی در شهرهای اسرائیل (۱۵ مهر) و انتقام گیری جنایتکارانه اسرائیل از مردم غزه، به سود حکومت ایران و ولی فقیه آن است.

بمب باران محله های مسکونی و ویران کردن خانه های مردم، فاجعه ضد انسانی است که به بهانه نابودی حماس و با چراغ سبز کشورهای امپریالیستی به اسم «حق دفاع از خود» صورت می گیرد که خروجی آن تقویت نیروهای بنیادگرا در دو سوی جدال و به طور مشخص به سود خامنه ای است.

حدود دو هفته پیش از حمله حماس، وزارت دفاع رژیم خبر از تولید موشکهای «حاج قاسم اسرائیل زن» داد. رضا طلایی نژاد، سرکرده وزارت دفاع رژیم در رابطه با علت نامگذاری موشک اسرائیل زن گفت: «نقطه هدف آنان در وهله اول سرزمینهای اشغالی است.» (خبرگزاری فارس ۲ مهر ۴۰۲) او مدعی شد که رژیم «امروز قدرت اول دفاعی منطقه است... اول جنگ تنها بودیم اما امروز می گویند هیچ معادله ای در خاورمیانه بدون نقش آفرینی ایران اسلامی قابل تنظیم نیست. این قدرت دفاعی است که به دست آمده است.» (همان منبع) خامنه ای شیاد در جای گرم و نرم خود در سخن پرآکنی با امام دست ساز خود، شیخ زکزاکی گفت: «حرکتی که در فلسطین آغاز شده به پیروزی کامل منجر خواهد شد.» (کیهان شریعتمداری ۲۲ مهر). ولی فقیه رویدادهای خونین و ویرانه های غزه و حمله حماس را به عنوان «یکی از مظاهر قدرت اسلام» اعلام کرد. (همان منبع) خامنه ای که نابودی اسرائیل را به هواخواهان خود وعده داده و وزیر دفاعش، رژیم را «قدرت اول دفاعی در منطقه» می داند، ریاکارانه مدعی شد که عملیات طوفان الاقصی کار خود حماس بوده است. در اینجا هم او طبق روال همیشگی، عدم شهادت به عهده گرفتن مسئولیت را نشان داد.

آخوند پناهیان خواهان تعطیلی آموزش و پرورش شد و مدعی شد که: «هر دانش آموز ایرانی باید بگوید همه مظلومین دنیا منتظر ما ایرانی ها هستند تا آنها را نجات دهیم.» (آرمان ملی ۲۷ مهر ۴۰۲)

نماینده ولی فقیه در خوزستان گفت: «رهبان انقلاب اذن دهند کمتر از ۲۴ ساعت طومار رژیم صهیونیستی در هم پیچیده می شود.» (ایسنا ۲۸ مهر ۴۰۲) نماینده ولی فقیه در مشهد ضمن «حتمی دانستن سقوط اسرائیل» گفت: «برقراری حکومت جهانی امام عصر در حال آماده شدن است.» (ایرنا)

خامنه ای احتیاج به خشونت نتانیاهو برای ساده سازی وحشیگری خود در سرکوب مردم عراق، سوریه و لبنان را دارد. این دو همدیگر را به خوبی تکمیل می کنند. از این منظر نمی توان در دفاع از توقف جنگ، برقراری صلح و بازگشت به مرزهای سال ۱۹۶۷ و تشکیل کشور مستقل فلسطین صحبت کرد اما از قطع دستهای رژیم و خنثی کردن دخالتهای آن حرفی نزد. زیرا دخالتهای آشوبگرانه رژیم ایران در منطقه به ضرر منافع و امنیت مردم ایران و سراسر خاورمیانه است.

باید تاکید کرد که این به معنای حمله نظامی و یا گسترش جنگ به ایران نیست. بلکه قطع مناسبات دیپلماتیک با رژیم ایران، قراردادن سپاه پاسداران در لیست

با مردم در شبکه اجتماعی

مرجان



نقدبنگی و تقاضای مردم زیاد شد؟ خیر تقاضا و قدرت خرید مردم کم هم شده!
نه تحریم و نه نقدبنگی و نه هجوم و تقاضای مردم! پس چرا؟
فقط و فقط گران سازی مواد اولیه لاستیک توسط پتروشیمیها با اجازه دولت.
*روی صحبتیم با عزیزشیا نیست اما دوستان اصلاح طلب، محور مقاومتی، ایرانشهری حمایت از کودکان تحت خشونت کیلویی و سلیقه ای نیست! نمی توان به خاطر منافع مالی یا معنوی از کودکان غزه بگویی اما از ترس یا نداشتن منفعت درباره کودکان زاهدان که مورد حمله نیروی ضد شورش قرار گرفته اند سکوت کنی!

*چند ماه پیش تصویری از کیومرث پوراحمد بر سر دار منتشر شد و گفتند خودکشی کرده است و حالا هم داریوش مهرجویی و همسرش سلاخی شدند!
اوضاع سینمای ایران کمی ترسناک شده است.

کیهان نوشته قتل مهرجویی به یکی از قتل‌های زنجیره‌ای شباهت دارد بعد روزنامه ایران نوشته افرادی همسو با رسانه های معاند دارن می گن قتل مهرجویی شبیه قتل‌های زنجیره ایه! هماهنگ نیستین با هم؟ ای بابا

*بحمدالله پاساژ آرمیتاژ مشهد دوربینهای صحیح و سالمی داشته و چهره مهاجمان به ملت هم کاملاً مشخص است و آزادی مهاجمان هم قاعدتا به دستور مقام مسئولی صورت گرفته است که باید پاسخگوی اقدامش باشد. رسیدگی در چنین پرونده هایی است که عیار عدالت در نظامهای قضایی را مشخص می کند.

*این کمپین دعوت به جنگ برای ویرانی ایران است. دعوت به کشتار و آوارگی مردم ایران است. مزخرف است. کثیف است. شرم آور است.
رنج و درد مردم ایران هیچ ربطی به جاهطلبیهای رژیم ندارند.

*وقتی مدیران دولت آقای ریسی عرضه تامین هواپیما و افزایش ظرفیت ناوگان هوایی رو ندارند؛ چی کار می کنن؟ این مزخرفات رو می گن: "پرواز یک کالای لوکس است و فقط گروه خاصی از جامعه از پرواز استفاده می کنند."
(داوود منظور معاون رئیس جمهور و رییس سازمان برنامه و بودجه)

*در ماهی فروشی یک موش بزرگ از خیابان داخل شد. خانم مسن چادری: پس این زاکانی داره چی کار می کنه؟! مگه بودجه مبارزه با اینها رو نداره؟! کارگر ماهی فروش: دلت خوشه ها! مگه نمی دونی دختر و دامادش رو سوپیس فرستاده بوده!

*در حالی که از آزادسازی ارزهای بلوکه و صادرات نفت بلوفها می زنند، داروخانه داران می گویند شیرخشک کمیاب و سهمیه بندی شده است و رییس انجمن تولیدکنندگان شیرخشک به شوق گفته که علت آن تخصیص قطره چکانی ارز واردات است. او گفته از اسفند سال گذشته تاکنون ارز موردنیاز تامین نشده است.

*آرمیتا کجایی؟ باور کنیم که هنوز در جدال با مرگی؟ هر روز در میانه خبرهای جنگ و کشتار غزه و زاهدان و قتل و اعتصاب و بگیر و ببند و سالگردها... تو را جستجو می کنیم. ما غرق شدگان در جهان تیره و تاریک این روزها...



بقیه در صفحه ۷

*مامور حجاب به گوش یک دختر سیلی زد. در برابر چشم مردمان. یکی از دهها نمونه خشونت کسانی که قرار است از اجباری بودن حجاب، صیانت کنند.
یکی از همین موارد بی شمار سبب می شود تا سرش بخورد به دیوار.
یکی از همین موارد، مرگ مغزی می سازد.
یکی از همین موارد می شود مهسا، آرمیتا...



*مردم مصر و اردن از کوه و بیابان برای کمک به مردم فلسطین به سمت مرزها رفتن
چرا عزیزشهای ولایی برای کمک به مردم غزه اونجا نمیرن؟

*یکی از همکاران خیلی مذهبی و غرضی مون ناخواسته بچه دار شده بود و خیلی حالش بد بود. می گفت شرایط اقتصادی مون طوری نیست که الان بخوایم بچه سوم رو بیاریم. با گریه و حال خراب دنبال راهی برای سقط بود.

*عززشیا رفتن فرودگاه مهرآباد و اصرار کردند که باید به غزه اعزام شوند. مدیر "ترمینال یک" بهشان گفته که باید به فرودگاه امام بروند چون مهرآباد پرواز خارجی نداره.
مدیر "ترمینال یک" را برکنار کردند که چرا مسخره کردی؟
خب دلفکهای غرضی، با پرواز داخلی چطوری می خواستن از کشور خارج شوید؟

*یه آسنترایی، فلوکستینی بریزین توی سدهای کشور. داریم داغون می شیم از حجم خیرهای بد و مشکلات شخصی و غیر شخصی!

- *بزرگترین سقوط ارزش پول ملی
- بزرگترین نرخ بیکاری
- بزرگترین روند چاپ پول
- بزرگترین نرخ تعطیلی صنایع
- بزرگترین نرخ فرار سرمایه
- بزرگترین نرخ مهاجرت نخبگان
- بزرگترین جهش قیمت مسکن
- بزرگترین جهش قیمت خودرو
- و حالا
- خوشبختانه
- بزرگترین سقوط بورس هم در دولت ریسی اتفاق افتاد

*حقوق کافی نداریم/ مسکن نداریم/ خودرو نداریم/ اینترنت نداریم/ سرمایه نداریم/ امنیت کاری نداریم/ امنیت جانی نداریم/ آینده نداریم
پس چی دارید؟
حجاب...
منمون از توجه مسئولان

*قیمت لاستیک رسماً ۲۰ درصد گران شد!
تحریم شدیم؟ خیر تولید داخلی و مواد اولیه داخلی هست.

حماس و پدرخوانده اش در پی چه بودند؟

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۶

با مردم در شبکه اجتماعی

- *سه مرحله از ریاست جمهوری در ایران:
۱. قبل از انتخابات: خدا شاهده مشکلات کشور را به راحتی می شود حل کرد، برای همه آنها برنامه دارم.
 ۲. بعد از گرفتن رای: ما از دولت قبل ویرانه تحویل گرفتیم، نیمی از بودجه کشور کسری دارد.
 ۳. پایان ریاست جمهوری: رییس جمهور کاره ای نیست، حرفهای زیادی دارم.

رئیس سازمان مدیریت بحران تهران گفته تهرانیها برای زلزله احتمالی خودشون چادر بخرن. مرد حسابی اون روزی یا شبی که زلزله بیاد چادر تو خونه ست، مثل هر چیز دیگه ای. کی می تونه بره برش داره؟ بعد این تشویق ضمنی به ورود در ساعات اول پس از زلزله به ساختمانها، غیر حرفه ای نیست؟

*ارزش دلاری حداقل دستمزد در ۱۴۰۲ به یک سوم سال ۱۳۸۹ رسیده است.

*بالاخره بعد از ۸ ماه سکوت آماری، قیمت مسکن در تهران اعلام شد: مسکن متری ۷۷ میلیون تومان!
شما با یک سال حقوق حتی نمی تونی یک متر مسکن در تهران بخری!

*یک زمانی نه چندان دور، تو این مملکت اگر مناسبت خاصی نبود، اراده می کردی بلیط هواپیما گیرت میومد و هر جا می خواستی میرفتی، الان این اتفاق برای بلیط قطار، بلیط اتوبوس هم شده جز آرزو، یک دونه بلیط برای یک هفته آینده برای هیچ شهر شمالی نیست!!

*این همان زمین سوخته ای است که "بی عرضه ها و دزدان ولایی" از ایران برجای نهاده اند:

حدود یک ماه از آغاز سال تحصیلی جدید می گذرد و بحران کمبود معلم در مدارس همچنان وجود دارد. برخی از مدیران مدارس، برای اینکه کلاسهای درسی بی معلم نماند، دست به دامن خانواده ها شده اند و از اولیا دانش آموزان می خواهند برای تدریس به مدرسه بروند و درسهای سال پیش را مرور کنند!

گرچه "کمبود" در جمهوری اسلامی واژه جدیدی نیست، اما این بار اوضاع به گونه ای است که هنوز مسئولان مربوطه نتوانسته اند این خلاء را پر کنند.

اعداد و ارقام متفاوتی درباره کمبود معلم از زبان مسئولان مطرح شده و در این بین صحبت از کمبود حداقل ۳۰۰ هزار معلم در سطح کشور شده است!

کاش این دزدان عنقلایی و ولایی، کمی از سرریز دزدیها و خرج موشکهای حماس را به جای کشتن انسانها، صرف تعلیم و تربیت فرزندان این مرز و بوم می کردند.



تا روضه خوانها حاکم بر ایران باشند، حکایت همچنان باقیست...

ملت آواره یا اسیر در سرزمین خود، دستاویزی است که ج.ا به واسطه آن کانونهای نفوذ شکل می دهد، گروههای نیابتی ایجاد می کند یا گروههای موجود را به استخدام در می آورد و بدینوسیله به اهرمهایی دست پیدا می کند که از یک طرف نقش سپر حفاظتی آن در برابر تهدیدات امنیتی منطقه ای و فرا منطقه ای را بازی می کند و از طرف دیگر، موتور تلاش آن برای کسب هژمونی در خاورمیانه و توسعه فرقه ای به شمار می رود.

به جریان افتادن فرآیند عادی شدن مناسبات اعراب و اسرائیل این استراتژی را به خطر انداخته و اهرمهایی که با صرف هزینه کلان سیاسی و اقتصادی برای مادی ساختن آن فراهم آورده شده را خنثی یا کم اثر می کند. دو پروژه کلان نظامی ج.ا یعنی برنامه های اتمی و موشکی، به گونه مطلق بر محور رهیافت یاد شده سوار است. این دو ابزار در چارچوب منطقه ای نقش به گروگان گرفتن کشورهای این حوزه و در کادر بین المللی، زل تضمین امنیتی برای بقای رژیم ملاحا را ایفا می کند. «پیمان ابراهیم» و اکنون تلاش برای گسترش آن با پیوستن قوی ترین کشور عربی، عربستان سعودی، در عمل تاثیر ابزارهای هژمونیک فرضی ج.ا را کاهش داده و متوازن می کند و در بهترین حالت، مناسبات حاصل از آن را به «صلح مسلح» شکل می دهد.

روشن است که یک بخش تعیین کننده در هر تفاهم یا پیمانی که نزدیکی اعراب و اسرائیل را مستند کند، موضوع همکاریهای دفاعی است؛ امری که از دفاع موشکی و سیستم هشدار مشترک تا سامانه های اطلاعاتی و ارزیابی و آموزش و تجهیز را دربرمی گیرد.

برنامه بمب اتمی ج.ا هم شرایط بهتری ندارد. یکی از پیش شرطهای ریاض برای عادیسازی مناسبات با تل آویو، پشتیبانی آمریکا و اسرائیل از دستیابی عربستان به تکنولوژی و زیرساختهای انرژی هسته ای است. اگرچه پسوند «صلح آمیز» این خواسته را همراهی می کند، اما کیست که قسم و آیه رهبران ج.ا پیرامون ماهیت برنامه هسته ای شان را شنیده باشد و این واژه او را به سووتفاهم بیاندارد.

شرط دیگر عربستان به همین اندازه حساس و برای حاکمان ج.ا خطرناک است. ریاض خواهان امضای پیمان دفاعی الزام آور با ایالات متحده است، چیزی که آمریکا را متعهد به دفاع از این کشور در برابر حمله خارجی و حفاظت در برابر تهدیدها خواهد کرد و نقش آن را در خاورمیانه پر رنگ تر می کند.

در مجموع فرآیند یاد شده را می توان یک شکست بزرگ برای ج.ا دانست که نتایج به گلی بازگونی از سیاستهای ماجراجویانه و نابخردانه اش کسب کرده است. رژیم ولایت فقیه که همه داشته هایش را روی بیرون راندن آمریکا از منطقه، به گوشه سوق دادن اسرائیل و تبدیل گردیدن به قدرت هژمونیک منطقه سرمایه گذاری کرده بود، اکنون نه تنها چشم انداز افزایش حضور سیاسی و نظامی آمریکا در برابرش گشوده شده، بلکه به گونه نقد شاهد گسترش دامنه نفوذ رژیم تل آویو به مرزهای جنوبی و شمالی گردیده و به گفته خود، در غرب کشور نیز به گونه غیر رسمی با آن همسایه شده است.

برآمد

بحران اخیر یکبار دیگر به روشنی نشان داد تا زمانی که ج.ا و گروههای نیابتی اش از یک سو و راستگرایان و نژادپرستان اسرائیلی از سوی دیگر در کار هستند، صلح پایداری برای مردم فلسطین، اسرائیل و منطقه خاورمیانه وجود نخواهد داشت. آنها - به دلایل فهم پذیر - حاضر به شریک شدن در پروژه های سیاسی نیستند، در برابر هر راه حل مسالمت آمیز مانع می تراشند و دست به خرابکاری حتی به بهای جان هزاران تن که گویا از امنیت و زندگی آنها دفاع می کنند، می زنند. درگیریهای بی نتیجه ای که رد پای خونین آن بر چهره دهه های گذشته به جا مانده ثابت کرده که موجودیت هر دو طیف به جنگهای موسمی و تنش دائمی گره خورده و به یک صلح واقعی بر بنیاد پایان اشغال و استقلال و آزادی مردم فلسطین کمترین علاقه ای ندارند. بنابراین راه پایان دادن به این کابوس وحشتناک نیز از همین گره گاه می گذرد. ملتها محکوم به ادامه زندگی امروز نیستند.

چالشهای معلمان (مهر ۱۴۰۲)

فرنگیس بایقره

چهار تن از اعضای کانون صنفی معلمان بوشهر به حبس محکوم شدند



محسن عمرانی، محمود ملاکی، اصغر حاجب و عبدالرضا امانی فر از اعضای هیات مدیره کانون صنفی معلمان استان بوشهر مجموعاً به چهار سال و هشت ماه حبس و مجازاتهای تکمیلی محکوم شدند.

بر اساس حکمی که اخیراً توسط مرجع قضایی صادر و به این افراد ابلاغ شده است، آقای محمود ملاکی و محسن عمرانی هر یک به دو سال حبس تعزیری، مصادره اموال توقیفی به نفع دولت و سه سال ممنوعیت فعالیت آموزشی در محیط های علمی محکوم شدند. همچنین آقایان عبدالرضا امانی فر و اصغر حاجب نیز هر یک به چهار ماه حبس تعزیری و مصادره اموال توقیفی به نفع دولت محکوم شدند. این پرونده در پی اعتراض سراسری معلمان شاغل و بازنشسته سراسر کشور در سال گذشته، برای این فعال صنفی معلمان گشوده شد.

محمود ملاکی، عبدالرضا امانی فر، اصغر حاجب و محسن عمرانی در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۱ توسط نیروهای امنیتی در بوشهر بازداشت شدند.

غلامرضا غلامی کندازی و ایرج رهنما در شیراز بازداشت شدند

روز پنجشنبه ۱۳ مهر امسال، غلامرضا غلامی کندازی و ایرج رهنما، فعالان صنفی معلمان استان فارس، همزمان با روز جهانی معلم توسط نیروهای امنیتی در شیراز بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند. این فعالان صنفی معلمان همزمان با روز جهانی معلم در حالی که برای پیگیری برگزاری مجمع عمومی سالانه این تشکل صنفی به ساختمان فرمانداری شیراز مراجعه کرده بودند، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند. غلامرضا غلامی کندازی و ایرج رهنما، فعالان صنفی معلمان استان فارس پیش از این نیز از بابت فعالیت های خود، سابقه بازداشت و محکومیت را داشته اند.

هشتم اکتبر (۱۶ مهر) روز جهانی کودک

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، این روز را به کودکان بدون کودکی، کودکان بدون آرزو، کودکان کار و خیابان شادباش گفت. به امید جهانی بدون کار کودک و کودکان کار و جهانی بدون جنگ که کودکان قربانیان اصلی آن هستند. یونسف اعلام داشته که فقط با اختصاص پنج دلار برای هر کودک می توان جان ۹۰ درصد از کودکانی را که سالانه می میرند، نجات داد و برای بهبود چشمگیر زندگی کودکان جهان سوم، کافی است که فقط مبلغ ۶ هفته بودجه تسلیحاتی جهان هزینه شود.

قتل مراد مسعودنیا، معلم بلوچ



مراد مسعودنیا

۵ اکتبر (۱۳ مهر) روز جهانی معلم خجسته باد

پیام تبریک هاشم خواستار، معلم زندانی به نرگس محمدی



صدیقه مالکی فرد، همسر هاشم خواستار، زندانی سیاسی محبوس در زندان وکیل آباد مشهد با انتشار پیامی به مناسبت اهدای جایزه صلح نوبل به نرگس محمدی نوشت: «آقای خواستار که در طی پنج سال گذشته به جرم آزادیخواهی در زندان وکیل آباد مشهد محبوس بوده و در این مدت حتی یک روز به مرخصی نیامده و محروم از ملاقات حضوری هستند، وقتی در تماس تلفنی هفتگی خبر اهدای جایزه صلح نوبل به خانم نرگس محمدی را شنیدند، و خواستند پیام تبریکی به ایشان و ملت ایران بگویند، رئیس بند تلفن را قطع کرد! رقم اعتراض کردم، گفتند؛ تلفن فقط برای احوالپرسی اعضای خانواده است، نه برای تبلیغات! قرار شد من متنی از طرف ایشان بنویسم که نمی دانم درباره این بانوی بزرگ چه بنویسم که سخن و صدای همسرم در زندان باشد، ولی می دانم که آقای خواستار از سالیان دور خانم محمدی را به واسطه مبارزات بی امان ایشان برای عدالت و آزادی می ستودند، و با تمام وجود به ایشان ادای احترام می کردند، و با اینکه خود ایشان در طی نیم قرن گذشته با شاه و شیخ در مبارزات بی امان بودند، ولی وقتی نام «نرگس بانو» به میان می آمد، با تمام وجود ایشان را تحسین و تجلیل می کردند، و این بانوی سرافراز را الگوی عالی «زن، زندگی، آزادی» می دانستند.

بنابراین، من به نمایندگی از طرف همسر پرافتخارم که در طی پنج سال گذشته بدون حتی یک روز مرخصی در زندان رژیم هستند، اهدای جایزه صلح نوبل را به خانم نرگس محمدی و به ملت قهرمان ایران شادباش می گویم، و امیدوارم این «قدرانی جهانی» از این بانوی بزرگ و بزرگوار، با آزادی ایران از استبداد دینی تکمیل و گوارتر گردد.

جعفر ابراهیمی به بازخرید خدمت محکوم شد

جعفر ابراهیمی، فعال صنفی معلمان محبوس در زندان قزلحصار کرج، با رای هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری اداره کل آموزش پرورش استان تهران به بازخرید خدمت محکوم شد.

عرفان کرم ویسی، وکیل مدافع آقای ابراهیمی ضمن اعلام این خبر نوشت: «در ادامه فشارها بر موکلم جعفر ابراهیمی رای هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری اداره کل آموزش پرورش استان تهران مبنی بر بازخرید خدمت ایشان پس از ۲۳ سال سابقه کار صادر و ابلاغ گردید که مبنای رای نیز شرکت در تحصن غیر قانونی عنوان شده است.»

دهم اردیبهشت سال پیش، جعفر ابراهیمی توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به بازداشتگاه وزارت اطلاعات موسوم به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد.

وی اوایل آبان ماه سال ۱۴۰۱، در مرحله بدوی توسط دادگاه انقلاب تهران از بابت اتهام اجتماع و تبانی به چهار سال و به اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال حبس و همچنین از بابت مجازات تکمیلی به دو سال محرومیت از فعالیت و عضویت در گروهها و منع خروج از کشور محکوم شد. جعفر ابراهیمی، معلم، عضو کانون صنفی معلمان تهران و بازرس شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، پیش از این نیز به دلیل فعالیتهای خود سابقه بازداشت و محکومیت را داشته است.

چالشهای معلمان (مهر ۱۴۰۲)

بقیه از صفحه ۸



تجمع خانواده دانش آموزان در تهران

روز چهارشنبه ۵ مهر، شماری از خانواده های دانش آموزان مدرسه دخترانه فرزندگان یک مقابل ساختمان آموزش و پرورش منطقه ۶ تهران، دست به تجمع زدند.

تجمع این شهروندان در اعتراض به اقدامات مدیریت جدید این مدرسه، صورت گرفته است. مدیریت جدید مدرسه معلمانی که دانش آموزان با آنها ارتباط خوبی داشتند کنار گذاشته، با معلمان مردی که در این مدرسه تدریس می کردند نیز قطع همکاری کرده است.

تجمع مربیان پیش دبستانی در اهواز

روز چهارشنبه ۱۲ مهر، شماری از مربیان پیش دبستانی خوزستان، مقابل ساختمان استانداری در اهواز، دست به تجمع زدند. با وجود کمبود شدید معلم و نیروی آموزشی در استان خوزستان، مسئولان مربوطه حاضر نیستند از مربیانی که دارای چندین سال سابقه تدریس هستند استفاده کنند.

این مربیان پیش دبستانی که تعداد زیادی از آنها از نیروهای شهرستان ایذه و از مربیان بعد از سال ۱۳۹۱ هستند، خواهان تبدیل وضعیت خود هستند.

تجمع معلمان مالک اراضی حصارسرخ شانددیز



دوشنبه ۲۴ مهر، معلمان تبادلکان، مالکان اراضی حصارسرخ شانددیز، پلاک ۸۹ اصلی. بخش ۶ مشهد تجمع کردند و با طرح موضوعاتی که شانابه فساد و مداخله دستهایی پنهان در دستگاه قضا دارد بر ادامه پیگیریها تا رفع ابهام و حل مساله تاکید کردند و منتظر بازخورد دستور رئیس دادگستری هستند.

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، هرانا، امتداد، رکنا، حال و ش، فارس)

شامگاه پنجشنبه ۲۰ مهر، بر اثر تیراندازی افراد مسلح ناشناس در شهر نیکشهر یک معلم بلوچ با اصابت گلوله جان خود را از دست داد. هویت این معلم بلوچ، «مراد مسعودنیا» فرزند اشرف متاهل و دارای فرزند اهل و ساکن روستای نیکو جهان از توابع بخش مرکزی شهرستان نیکشهر توسط حال و ش احراز شده است.

طبق گزارش سالانه حال و ش در سال ۱۴۰۱، ۲۴۳ شهروند بلوچ با تیراندازی مستقیم توسط نیروهای نظامی و افراد مسلح ناشناس که وابسته به دستگاههای نظامی هستند کشته شده اند.

کمبود ۲۶۰ هزار معلم و ۵۰ هزار نیروی سرایدار در مدارس کشور

آخوند احمدحسین فلاحی، سخنگوی کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس دوشنبه ۲۴ مهر گفت: الان برای ما کلاس بدون معلم و آموزش بی کیفیت پذیرفته نیست و حتماً باید مدارس دولتی را با تأمین معلم تقویت کنیم. او درباره وضعیت تأمین نیروی آموزشی و کمبود معلم با توجه به شکایات بسیار از سوی خانواده ها و مدارس گفت: کمبود معلمان در طول زمان انباشته شده و خبرهای روز وزارتخانه حاکی از کمبود ۲۶۰ هزار معلم است.

بازداشت یک معلم بلوچ توسط نیروهای امنیتی در فنوج

بامداد سه شنبه ۲۵ مهر،



مسعود زبردستی دبیر دبیرستان رجایی شهر فنوج و از اساتید سابق دانشگاه علوم دریانوردی چابهار، توسط نیروهای امنیتی در این شهرستان بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل شده است. نیروهای امنیتی لباس شخصی با سه دستگاه خودرو به منزل این معلم

در شهرستان فنوج یورش برده و او را بازداشت کرده اند. از دلایل این بازداشت و مکان نگهداری مسعود زبردستی اطلاعی در دست نیست.

اسماعیل عیدی از زندان کجویی کرج به بیمارستان اعزام شد

روز چهارشنبه ۲۶ مهر، اسماعیل عیدی، فعال صنفی معلمان، جهت انجام آزمایش از زندان کجویی کرج به بیمارستان خارج از زندان اعزام شد. اسماعیل عیدی در تیر ۱۳۹۴ زمانی که برای پیگیری علت ممنوع الخروج بودن خود به دادسرای اوین مراجعه کرده بود پس از ساعتها بازجویی، بازداشت شد. وی پس از گذشت شش ماه از بازداشت توسط شعبه ۱۵ بیدادگاه به اتهام تبلیغ علیه نظام، اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی به شش سال حبس که پنج سال از آن قابل اجرا بود، محکوم شد.

رامین صفرنیا، وکیل آقای عیدی در خصوص آخرین وضعیت پرونده این فعال صنفی معلمان گفته بود: باوجود گذشت بیش از هشت ماه از پذیرش درخواست اعاده دادرسی آقای عیدی در شعبه نهم دیوان عالی کشور، اصل پرونده به شعبه ۲۹ دادگاه انقلابرجاع داده نشده است.

یورش مامور لباس شخصی به منزل کوکب بداعی

روز یکشنبه ۳۰ مهر، مامور لباس شخصی به منزل کوکب بداعی، معلم و فعال صنفی شهرستان ایذه، یورش برده و وسائل شخصی و الکترونیکی او را غارت کردند.

دانش آموزان کلاس خانم بداعی در دبیرستان کوثر توسط یکی از معاونان تفتیش بدنی شدند و آنها را تهدید کردند که از اتفاق پیش آمده صحبتی نکنند و در صورت رسانه ای شدن موضوع دانش آموزان را تهدید به برخورد شدید کردند. کوکب بداعی پگاه، دبیر تربیت بدنی مقطع دبیرستان مدارس شهرستان ایذه از توابع استان خوزستان، پیش از نیز به دلیل فعالیت های خود سابقه احضار و تشکیل پرونده را دارد.

سپهر پُر ستاره جنبش انقلابی اسامی شهیدان جاوید نام در مهر ۱۴۰۱

(منبع: سازمان مجاهدین خلق ایران، حال وش و هرانا)

جمعه یکم مهر ۱۴۰۱

حسین مروتی، قرچک ورامین
پویا (علی) احمدپور پسیخانی، هفده ساله، رشت
هدیه نعیمانی، نوشهر
علی رضا حسینی، تهران
جواد خوانساری، تهران
پارسا رضا دوست، هفده ساله، هشتگرد
سارینا اسماعیل زاده، شانزده ساله، کرج



جاوید نام سارینا اسماعیل زاده

حمید فولاد وند، پاکدشت
احسان علی بازی، شانزده ساله، شهرقدس
محمد جواد زاهدی، ساری
احمد رضا قلیچی، همدان

شنبه ۲ مهر ۱۴۰۱

لینا نامور، تهران
مرتضی نوروزی، لنگرود
محمود کشوری، کرج
رضا ساعد، تهران
شهرام زندی، تهران
اشکان نوری، تهران
سمیرا نوری، تهران
سعید زارع، شیراز
میلاد جاویدپور موگویی، تهران

یکشنبه ۳ مهر ۱۴۰۱

محمد جامه بزرگ، کرج
نادر کوکار، رودسر
افشین شهامت، تهران

دوشنبه ۴ مهر ۱۴۰۱

عبدالسلام گلوانی (قادر گلوان)، اشنویه
فرید ملکی، مهرشهر کرج

چهارشنبه ۶ مهر ۱۴۰۱

صمد برگی نیا، بیرانشهر

امیر رضا نادرزاده، نوشهر
غزاله قاسمی، تهران

پنجشنبه ۷ مهر ۱۴۰۱

امیر مهدی فرخی پور، شانزده ساله، تهران
عرفان نظر بیگی، تهران

جمعه ۸ مهر ۱۴۰۱ (شهیدان جمعه خونین زاهدان)



شهیدان جاوید نام زاهدان

محمد رضا ادیب توتازهی

لال محمد آتشی

بلال آتشی

محمد براهویی

محمود براهویی

ریاست (بادل) بلوچ

عبدالرحمن بلوچی

علی اکبر حلقه بگوش

محمد فاروق رخش

منصور رخشانی

جلیل رخشانی

عبدالمجید ریگی

محمد ریگی

احمد سرگلزایی

احمد شه بخش

عبدالملك شه بخش

عمران شه بخش

فرزاد شه بخش

امین (طلبه مدرسه بدرالعلوم)

یاسر شاهو زهی، شانزده ساله

یاسر بهادر زهی، هفده ساله

عمر شهنازی

محمد اقبال شهنازی

امیر حمزه شهنازی

محمد صدیق نارویی

لال محمد عالی زهی

ابوبکر علی زهی

حمید عیسی زهی

امین الله قلیجایی

محمد قلجه ای

نعمت الله کیدانی
ابراهیم گرگیج
محمد علی گمشادزهی
محمد امین گمشادزهی، هفده ساله
واحد گمشادزهی
صلاح الدین گمشادزهی
جلیل محمد زهی
حمزه نارویی
یونس نارویی
حمید نارویی
رافع نارویی
عبدالغفور نور براهویی
عبدالصمد براهویی
محمد عمر شهنازی
محمد قلیجایی
امین گله بچه
حمزه نارویی
حمید نارویی
ابوبکر نهتانی
موسی نهتانی
سامر هاشم زهی، شانزده ساله
علی براهویی، دوازده ساله
ذکریا براهویی
علی عاقلی (نارویی)
محمد اقبال نایب زهی، شانزده ساله
امید شهنازی

متین قنبر زهی گرگیج

سدیس کشانی، چهارده ساله

موسی دویرا

عمران حسن زهی

محسن گمشادزهی

عبدالغفور دهمرده

عبدالمنان رخشانی

بلال رخشانی

امید سارانی، سیزده ساله

جابر شیروزی، دوازده ساله

سلیمان عرب

غلام نبی نوتی زهی

عبدالجلیل قنبر زهی

عبدالله نارویی

عبدالوحید توحید نیا

امید صفرزهی، هفده ساله

بهبزاد ریگی

نجم الدین تاجیک

محمد علی اسماعیل زهی (شه بخش)

اسماعیل آبل

موسی آتشی

مهدی آتشی

مجید بلوچ زهی

وحید هوت

جواد پوشه، یازده ساله

عبدالصمد ثابتی زاده (شاهو زهی)

احمد(جَمَا) سارانی (علی زهی)

محمد رخشانی، دوازده ساله

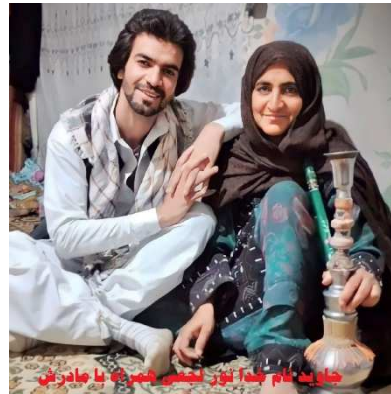
دانیال شه بخش، یازده ساله

خلیل قنبر زهی

**سپهر پُر ستاره جنبش انقلابی
اسامی شهیدان جاوید نام در
مهر ۱۴۰۱**

بقیه از صفحه ۱۰

محمود شهنوازی
علی اکبر براهویی
حیدر نارویی رشید
محمّد دین شه بخش
امیر محمد گمشاد زهی
هستی نارویی، هفت سیاه
امیرحسین پرنیان میرکا زهی ریگی
حافظ محمد براهویی
لال محمد براهویی
اسماعیل حسین زهی
مجید شه بخش
ثامر شهنوازی
عبیدالله خاق شهنوازی
عزیز الله کیدانی
میرشکار، دو سیاه (نام فامیل نامشخص)
عبیدالله مجید نارویی
سامی هاشم زهی، شانزده سیاه
گنگو زهی ریگی
منصور دهمرده
سعید گرگیچ
ریخا ترزی
مصیب شه بخش، نه سیاه



سلمان ملکی، زاهدان
جمال عبیدالله ناصر محمد حسنی براهویی،
زاهدان
مرتضی حسن زئی، زاهدان
ذوالفقار حسن زئی، زاهدان
آرمان حسن زئی، زاهدان
محمود حسن زئی، زاهدان
علی اکبر ربیعی، اصفهان
امیرحسین بساطی، پانزده سیاه، کرمانشاه
دوشنبه ۱۱ مهر ۱۴۰۱
ماد دین شیرو زهی، زاهدان
مصطفی بریجی، زاهدان
محمد مهرداد، تهران
یزدان فرمانی، تهران

سه شنبه ۱۳ مهر ۱۴۰۱
نیما شفیق دوست، شانزده سیاه، ارومیه

چهارشنبه ۱۴ مهر ۱۴۰۱
عماد حیدری، اهواز
رضا بنیادی، تهران

جمعه ۱۶ مهر ۱۴۰۱
آیناز جواهری، پانزده سیاه، کرمانشاه
یحیی رحیمی، سنندج
محسن موسوی، تهران
داریوش علی زاده، سنندج

پیمان منبری، سنندج
محمد امینی، سنندج
سپهر شریفی، تهران
نگین صابحی، تهران
کامران شهبازی، تهران
مریم غواصی، مشهد
سجاد جعفری، شیراز
سیمه محمودی نژاد، کرمان
سینا فیروزآبادی، شیراز

شنبه ۱۷ مهر ۱۴۰۱
نادیا عارفانی، فردیس کرج
اسماعیل دزوار، سقز
سید احمد شکراللهی، اصفهان
آرین مریدی، کرمانشاه
میثم پدیدار، رشت
عارف عاشوری، رشت-زندانی لاکان
میلاد درخشان، رشت-زندانی لاکان
مهران رجبی، رشت-زندانی لاکان



جمعه ۸ مهر ۱۴۰۱
حمید رضا صناعی پور، همدان
مختار احمدی، مریوان

شنبه ۹ مهر ۱۴۰۱
مهراب دوات پناه، تاش
پویا رجب نیا، بابل
احسان خان محمدی، تهران
مرتضی سلطانپان، تهران



مهرزاد بهروز، رشت-زندانی لاکان
محمد انوش نیا، رشت-زندانی لاکان
کیانا آتش زر، هفت حوض تهران، پانزده
سیاه



جاوید نام کیانا آتش زر

یکشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱
فرزین فرخی، سقز
امید مهدوی، تهران
آپه سعیدی، سقز

سه شنبه ۲۰ مهر ۱۴۰۱
ابوالفضل آدینه زاده، شانزده سیاه، مشهد
سینا نادری، کرمانشاه
کمال فقهی، بوکان
مهرگان زحمتکش، رشت
عزیز مرادی، سنندج
آرمین صیادی، کرمانشاه
فرزانه کاظمی، قزوین
هلن احمدی، بوکان
محمد انوشه نیا، رشت

چهارشنبه ۲۱ مهر ۱۴۰۱
نگین عبیدالله ملکی، همدان

پنجشنبه ۲۲ مهر ۱۴۰۱
اسرا پناهی، شانزده سیاه، اردبیل
پرینسا عسگری، تهران
رضا اسماعیل زاده، تهران

جمعه ۲۳ مهر ۱۴۰۱
حسین جزئی، تهران-اوین
حمید سعید مظفری، تهران-اوین
حسین اکبر زاده، تهران-اوین
سید فرهاد حسینی، تهران-اوین
علی اکبر جعفری، تهران-اوین
محمد رضا مشهدی فراهانی، تهران-اوین
علی بساکی، تهران

یکشنبه ۲۵ مهر ۱۴۰۱
محمد عبیداللهی، ایلام
حامد باجی زهی (براهویی)، زاهدان

دوشنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۱
صدف موحدی، تهران

دوشنبه ۲۷ مهر ۱۴۰۱
اسماعیل شنبیدی، شیراز
علیرضا فیلی، تهران

رویدادهای هنری ماه (مهر ۱۴۰۲)

گردآوری و تنظیم: فتح الله کیانیها



این فیلم قرار بود ۲۳ مهر ماه در اختتامیه جشنواره «کارو آرت» در مسکو به نمایش دربیاید، اما یک روز قبل از آن، برگزارکنندگان جشنواره بدون ارائه هیچ توضیحی از نمایش فیلم دیگری در روز پایانی این جشنواره خبر دادند. این در حالی است که برای اجرای این نمایش بلیت هم فروخته شده بود و قرار بود که سوکوروف نیز در نشست پرسش و پاسخ با علاقمندان نیز شرکت کند. سوکوروف در کانال تلگرامی خود نوشت به او گفته‌اند که

وزارت فرهنگ روسیه فیلم «قصه پریان» را ممنوع اعلام کرده است. فیلم «قصه پریان» که سوکوروف می‌گوید آخرین اثر سینمایی اوست، تابستان گذشته در جشنواره فیلم لوکارنو به نمایش درآمد و واکنشهای متفاوت منتقدان و سینما دوستان را برانگیخت.

در این فیلم که عناصری از ژانر وحشت و کمدی سیاه دارد، با استفاده از انیمیشن، فیلمهای خام آرشیوی و دیپ فیک (جعل عمیق)، گفت و گوی خیالی آدولف هیتلر، ژوزف استالین، بنیتو موسولینی و وینستون چرچیل را که همه به زبان خودشان در برزخ تکلم می‌کنند، به تصویر کشیده است، عیسی مسیح و ناپلئون هم در آنجا حضور دارند.

«اورکا»؛ **راوی مقاومت زنان ایران**
هفته گذشته نسخه ای از فیلم «اورکا» ساخته سحر مصیبی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. این سومین فیلمی با بازی ترانه علی‌نوسی، بازیگر شناخته شده سینمای ایران، است که بدون نمایش عمومی در سینماهای ایران دیده می‌شود.



فیلم «اورکا» اتفاقاتی را که برای الهام اصغری، زن شناگر ایرانی، رخ داد روایت می‌کند. نام خانم اصغری در دهه ۹۰ با ثبت رکوردهایی در زمینه شنا در دریا مطرح شد. با آنکه رکوردهای او با پوشش اسلامی به دست آمد، اما نهادهای رسمی و مقامهای جمهوری اسلامی از ثبت آنها به دلیل محدودیتهای مربوط به شنای زنان در ایران خودداری کردند.

فیلم «اورکا» داستان همین اتفاقات و چالشهایی است که این زن شناگر در سالهای مختلف با آن روبرو شد. این فیلم با روایت همین اتفاقات، تصویر کم سابقه‌ای از نگاه ایدئولوژیک و محدودگرایی مسوولان حکومت جمهوری اسلامی به ویژه نسبت به زنان و مطالبات آنها ارائه می‌دهد. سحر مصیبی، کارگردان فیلم «اورکا»، از جمله زنان سینماگری بود که در اعتراضهای سال گذشته تصویری بدون حجاب اجباری از خود منتشر کرد.

«تاتامی» در فهرست مقدماتی جوایز آکادمی اروپا

فیلم «تاتامی» به کارگردانی مشترک زر امیرابراهیمی، بازیگر سرشناس ایرانی، و «گای ناتایو»، سینماگر اسرائیلی، به فهرست مقدماتی جوایز آکادمی فیلم اروپا رسید. این جوایز هر سال به سینماگران و آثار برتر سینمایی می‌شود و به اسکار اروپایی شهرت دارد.

بقیه در صفحه ۱۳

قاتلها کنار ما قدم می‌زنند



اگر چه سایه سیاه چند دهه‌ی سراسر خونین بر فلات خشک این سرزمین گذشت تا کارگردانی سرشناس و صاحب سبک و تاثیر گزار، قفل از دهان بر دارد و فریاد زند که قاتلها در میان ما زندگی می‌کنند و در کنارمان گام می‌زنند.

اگرچه فریاد چندین هزار مادر داغدار در تمامی این شبهای سیاه و سترون و در هیچ سطری از تاریخ این سرزمین نوشته نشد و هیچ گویی این ناله‌های داغدار را نشنید و اگر هم شنید، ناشنیده گرفت؛

اگر چه ارباب راه‌ران مرگ در طول همه این سالها گلوها را شکست و ناله‌ها را خفه کرد و ارباب اش را بر در هر خانه‌ای که خواست راند و شاخه‌هایی جوان و برنا را از بیخ و بن برید تا ریش و ریشه‌اش اید دوام بماند. اما و اما و اما... این فریاد مستمر و سرخ دادخواهی بود که هیچگاه فرو ننشست و اینک پس از قیام خونبار «ژن، ژیان، نازادی» و «چونان خورشیدی درخشان و تاریکی بر افکن» از پس کوه شعله‌بر کشید و جبروت مقام عظمای جنایت را چنان بر باد داد که اینک هر سایه‌ای و هر نجوایی کاخهای ظاهرا مستحکم‌ش را چنان می‌لرزاند که دیوانه وار و چاقو به دست در کوچه‌پس‌کوچه‌های شهر قدم می‌زند و انسانهایی فرهیخته و جان به لب رسیده را به فجیع‌ترین شکل ممکن سلاخی و قصابی می‌کند و دوباره به همان رویکرد جنایت‌باری روی می‌آورد که چندین سال پیش طشت رسوایش از بام افتاده و طبل محکومیتش در هر کوی و برزن شنیده شده است. راستی این فریاد از نای جان برآمده مهرجویی که «بیابید من را بکشید، من حقم را می‌خواهم و آن را می‌گیرم» چه شورش و ولوله‌ای داشت که شیخک خودش را چونان زنگی مست‌تیغ به دست راهی خانه او کرد و آن هم به قصد سلاخی؟

راستی چه قدرت و سلاخی در دستان خالقان هنر است که در طول تاریخ هر دیکتاتور و مستبدی را به وحشت انداخته است؟

و تو ای انسان اندیشه‌ورز! ای هنرمند و ای رهروی چست و چالاک آزادی و رهایی! قیمت و قدر مردمانی که تو را می‌شناسند و برایت سفره سفر عشق نثار می‌کنند را بدان. وظیفه‌ات سنگین است و نفس گرم مردمانی را در کنار خویش داری که هیچ سلاخی برای دفاع از خویش ندارند و چشم‌شان به دستان گهر آفرین شماسست. صدای آنها باش. تصویر آنها باش. شعرشان باش و امیدشان. کاخها یکی پس از دیگری فرو می‌ریزند و این آرزوهای پاک و انسانی بشری است که در لابلای کلام مادران و پدران و برادران و خواهران و کودکان محروم از کانون گرم خانواده بر چهره دوار گیتی می‌چرخد و از تو یک قهرمان می‌سازد؛ قهرمان توده‌ها و بقول آن شاعر آزاده:

بشکنی ای قلم، ای دست اگر
پیچی از خدمت محرومان سر

سینما

کپی برداری روسیه از وزارت ارشاد؛ توقیف «قصه پریان» سوکوروف

فشارهای حکومت روسیه بر هنرمندان مخالف سیاستهای کرملین ادامه دارد و در تازه‌ترین مورد، «قصه پریان»، تازمترین فیلم «آلساندر سوکوروف» که سرشناس‌ترین فیلمساز سینمای روس در سطح بین‌المللی است، با ممنوعیت نمایش روبرو شده است.





خانواده و اطرافیان آقای نورانی پس از بازداشت او در ۲۵ شهریور امسال، از اتهام و وضعیت او بی‌خبرند. امضا کنندگان این نامه خواستار روشن شدن وضعیت و ارائه دلیل و همچنین آزادی همکارشان شدند.

علی رفیعی، احترام برومند، جعفر پناهی، پانته آ پناهیها، مجتبی میرطهماسب، محمد رسول اف، مجید برزگر، مرضیه وفامهر، لیلا نقدی پری و مصطفی آل احمد از جمله امضا کنندگان این نامه هستند.

افتخاری دیگر برای وزارت ارشاد اسلامی!

در یک تصمیم شگفت‌انگیز و عجیب، سانسهای نمایش فیلم برای داوران کودک دختر و پسر جشنواره کودک اصفهان تفکیک شد.

ابراهیم نورمحمد، یکی از فیلمسازان حاضر در «سی و پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلمهای کودکان و نوجوانان اصفهان» گفته است: «معتقدم بهتر بود سانسهای نمایش برای داوران کودک دختر و پسر تفکیک نمی‌شد. ما در روز یکشنبه، ۱۶ مهرماه که فیلم در جشنواره نمایش داده شد، اکرانهایی برای عموم مردم داشتیم و نیز اکرانهایی جداگانه برای داوران دختر و پسر که ای کاش آنها دستکم در ردیفهای جدا از هم در یک سالن فیلم را می‌دیدند ولی اینطور تفکیک نمی‌شدند».

نورمحمد گفت: «ما (فیلمسازان) فکر کردیم شاید برنامه ریزی خاصی برای این زمینه وجود دارد، ولی تاکنون هیچ توضیحی درباره آن نشنیده ایم».

اعتراض همایون غنی زاده به مرضیه برومند و «سنت زشت التماس»

اظهارات مرضیه برومند، مدیرعامل «خانه سینما»، در مراسم تشییع پیکر داریوش مهرجویی و همسرش وحیده محمدی‌فر، پس از اعتراض حاضران و «هو شدن» توسط آنها، در رسانه‌های اجتماعی نیز با واکنشهایی روبرو شده است.

مرضیه برومند در این مراسم خطاب به حکومت گفته بود: «ما همه در این سرزمین ماندم برای اینکه خاک و سرزمین و مردمان را دوست داریم. با ما خوب باشید، کنار شما با اسرائیل و رژیم صهیونیستی هم می‌جنگیم» در واکنش به این سخنان، همایون غنی‌زاده، کارگردان تئاتر و سینما، روز پنجشنبه ۲۷ مهر در یادداشتی در صفحه «اینستاگرام» خود، اظهارات اخیر مرضیه برومند را «التماس به حکومت» توصیف کرد که «سالها سنت ما ملت بود».

غنی‌زاده افزود: «باید با شرمساری اعتراف کرد ما هنرمندان و اهل فرهنگ سالها از جریانات برجسته و تاثیرگذار این سنت زشت بوده‌ایم»

او با نكوهش این «سنت زشت» که «آمیخته و آلوده به چاپلوسی و ریا» است و «به منظور ایجاد روزنه‌ای از ترحم سیستم» به کار می‌رود، تاکید کرد: «باید اعتراف کرد بخش بزرگی از ما در گذشته با صدای بلند دروغ می‌گفتیم! درباره حجاب، درباره سانسور، درباره خوبیهای فلان مسول، درباره نگاه قناس حکومت به مسائل خرد و کلان. حالا مدتی است آرام آرام داریم تمرین می‌کنیم تا از این روش برگردیم، اما هنوز بخشی از جامعه هنری روی ریل آن سنت زشت و کریه ریا، جملات ترحمانگیز می‌گویند.»

این سینماگر در ادامه نوشته است: «امروز که بخش بزرگی از اهالی فرهنگ و مردم دارند سعی می‌کنند در برابر حکومت دست از ریا بشویند و با هزینه تمرین صداقت کنند، غمانگیز است که بخشی هنوز دارند با همان سنت و با فرمولهایی از همان روش زشت، از فضای خالی‌ای که با حذف و ممنوع‌الکاری و مهاجرت و حالا قتل ایجاد می‌شود، کمال سو استفاده را ببرند.»

این هنرمند در پایان گفت: «ما از گوشه خانه‌هایمان، از کنج سلولهای زندانمان، از پنجره‌ای بیرون از وطنمان و از میان گورهایمان به شما خیره شده‌ایم و گلویمان دریده می‌شود وقتی برای نرم‌تر شدن چماق تحقیر و سرکوب یا اعتباری تقلبی و یا برای پول التماس می‌کنید و چنگ به صورت مردمی که هزینه می‌دهند می‌اندازید و این سد را طوری می‌شکنید که گویی هیچ اتفاقی نیفتاده است. این خیانت است.»

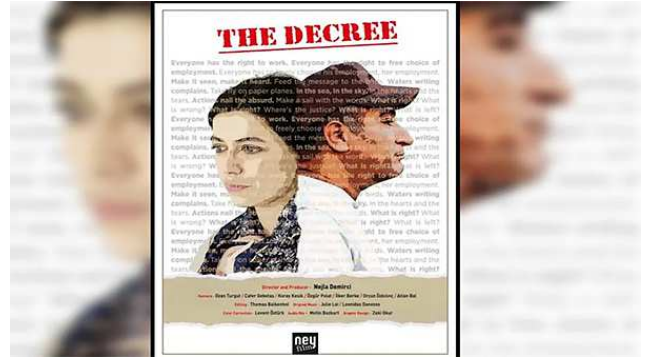
بقیه در صفحه ۱۴

رویدادهای هنری ماه (مهر ۱۴۰۲)

بقیه از صفحه ۱۲

به گزارش «تایم اسرائیل»، تاتامی که ماجرای یک ورزشکار زن ایرانی را به تصویر می‌کشد، به فهرست چهل فیلمی رسیده که پس از غربال نهایی، نامزد جایزه خواهند شد.

لغو جشنواره فیلم آنتالیای ترکیه به دلیل مستندی درباره کودتای سال ۲۰۱۶



قدیمی‌ترین جشنواره فیلم ترکیه در شهر «آنتالیا» پس از اعتراض هیات داوران، تهیه‌کنندگان و کارگردانان به سانسور و حذف مستندی درباره کودتای سال ۲۰۱۶ میلادی در این کشور، لغو شد.

مستند «فرمان» به کارگردانی «نجله دمیرچی»، چالشهای زندگی یک معلم و یک پزشک را به تصویر می‌کشد که به دنبال کودتای نافرجام شماری از نظامیان در سال ۲۰۱۶ میلادی علیه رجب طیب اردوغان در ترکیه، از کار اخراج می‌شوند.

وزارت فرهنگ ترکیه ضمن ابراز تاسف از گزینش این فیلم در جشنواره، آن را اثری «تبلیغاتی» در هواداری از جنبش «فتح الله گولن»، مخالف سرشناس «رجب طیب اردوغان»، توصیف کرد.

برگزارکنندگان جشنواره آنتالیا پس از انتقاد وزارت فرهنگ ترکیه اعلام کرده بودند که این مستند از برنامه اکران حذف شده است. «احمد بویاجی اوغلو»، مدیر جشنواره، مدعی شد این مستند به دلیل اینکه پرونده قضایی یکی از افراد حاضر در آن هنوز در جریان است، از این رویداد هنری کنار گذاشته شده است. این توضیح با اعتراض اعضای هیات داوران مواجه شد و ۲۰ تن از آنها در اعتراض به «سانسور آشکار» در اداره این جشنواره استعفا دادند. پس از آن هم ۲۷ تهیه‌کننده و کارگردان نیز با انتقاد از حذف مستند «فرمان»، از شرکت در جشنواره پرتقال طلایی انصراف دادند.

جشنواره پرتقال طلایی در سال ۱۹۶۳ در آنتالیا تأسیس شد و یکی از برنامه‌های مهم فرهنگی و هنری ترکیه محسوب می‌شود.

مرزهای بی پایان، برنده جایزه تیرانا

فیلم سینمایی «مرزهای بی پایان» به کارگردانی و نویسندگی «عباس امینی»، جایزه «بهترین فیلم» بیست و یکمین جشنواره بین‌المللی فیلم «تیرانا» را به خود اختصاص داد. این جشنواره که از سال ۲۰۰۳ آغاز به کار کرده است، همه ساله در کشور آلبانی برگزار می‌شود.

«مرزهای بی پایان» پیش از این و در اولین اکران بین‌المللی موفق به دریافت جایزه بهترین فیلم در بخش «پرده بزرگ» جشنواره روتردام شد و در پی آن نیز جایزه «زردآلوی طلایی» بهترین فیلم از ایروان - ارمنستان را به دست آورد.

این فیلم که محصول مشترک ایران، آلبانی و جمهوری چک است، داستان معلمی تبعیدی در یک روستای فقیرنشین کوچک با قومیت بلوچ در امتداد مرز ایران با افغانستان را روایت می‌کند که با خانواده‌ای از پناهندگان غیرقانونی هزاره آشنا می‌شود که از خطر فوری به قدرت رسیدن طالبان می‌گریزند.

اهالی سینما و تئاتر خواستار آزادی علی نورانی شدند

بیش از ۲۰۰ نفر از اهالی سینما و تئاتر با امضای نامه‌ای، خواستار آزادی علی نورانی، نویسنده، بازیگر و کارگردان تئاتر، شدند. در این نامه آمده که

عبدالحسین خسروپناه چهارشنبه در گفت و گو با تلویزیون حکومتی ایران گفت این اسامی «ضد ارزشهای انقلاب هست و اشاء الله نام سیگارها را درست خواهیم کرد».

او افزود طبق حکم جدیدی که علی خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی، صادر کرده، «مسئولیت راهبردی آسیبهای اجتماعی» به شورای عالی انقلاب فرهنگی داده شده است.

اظهارات آقای خسروپناه در حالیست که شرکت دخانیات ایران برند سیگارهای یاد شده را طی دهه های گذشته برای تبلیغ «انقلاب اسلامی» نامگذاری کرده بود.

موسیقی

توماس صالحی، برنده جایزه سازمان مدافع آزادی بیان



توماس صالحی، رپر زندانی حامی معترضان، از سوی سازمان «شاخص سانسور» (Index on Censorship) به عنوان برنده جایزه سالانه آزادی بیان در بخش هنر معرفی شد.

این سازمان غیردولتی مدافع آزادی بیان، تلاشهای هنری توماس صالحی در حمایت از معترضان ایران به دنبال کشته شدن مهسا (ژینا) امینی در بازداشت گشت ارشاد را «الهام بخش» توصیف کرده است.

سازمان «شاخص سانسور»، مستقر در لندن، این رپر معترض را خواننده ای معرفی کرده است که با «آوازخواندن درباره بی عدالتی و ظلم حکومت ایران به جامعه مدنی» سال گذشته در بحبوحه اعتراضات بازداشت و محکوم شد.

علیرضا قربانی در اعتراض به حذف زنان نوازنده، کنسرتش را لغو کرد



علیرضا قربانی به دلیل «عدم اجازه ساز زدن» به نوازنده های زن گروهش در اصفهان، کنسرت خود را در «نصف جهان» لغو کرد. این کنسرت قرار بود به مدت هفت شب و در ۱۴ سانس اجرا شود.

او در صفحه اینستاگرامی خود در توضیح این اتفاق نوشت: «متأسفانه طی روزهای گذشته علیرغم تلاش و پیگیریهای خارج از تصور تیم اجرایی برای برگزاری کنسرت در شهر اصفهان، مجوز کنسرت صادر نشد.»

این خواننده سرشناس ایرانی تاکید کرده است که «شرح سختی و مشکلات و پیچیدگیهای پیش روی این مسیر در این مقال نمی گنجد.»

جالب توجه است که باوجود ادعای وزیر ارشاد اسلامی مبنی بر اجرای کنسرتهای موسیقی در اقصی نقاط کشور و بدون هیچ محدودیت و مانع تراشی، صفحات شبکه های مجازی سرشار از اخبار مانع تراشی و یا عدم مجوز اجرای برنامه و گاهی لغو مجوزهای صادر شده می باشد.

رپرهای زیر زمینی در سمنان دستگیر شدند.

مقامات استان سمنان از بازداشت شماری از اعضای «یک گروه صد نفره رپرهای زیرزمینی» به اتهام «ساخت و انتشار» یک ویدیو خبر دادند و اتهام این رپرها را «توهین به مقدسات» عنوان کردند.

اکبر قاسمی، رییس اطلاعات سمنان، همچنین عنوان کرد که «چهار واحد صنفی» را نیز در این برج تجاری «پلمب» کردند. او به اسامی هیچ یک از رپرهای بازداشت شده اشاره نکرد اما گفت: «تعداد عوامل اصلی این کلیپ ده نفر بودند که همگی با اشراف اطلاعاتی پلیس» بازداشت شدند.

او این گروه رپر را «هنجارشکن و سازنده کلیپ موهن» نامید و بازداشت آنها را در طی «چهار ساعت» پس از انتشار یکی از افتخارات بزرگ و اشراف اطلاعاتی نیروهای تحت امرش دانست.

رویدادهای هنری ماه (مهر ۱۴۰۲)

بقیه از صفحه ۱۳

ادبیات

«یون فوسه» برنده جایزه نوبل ادبیات شد



«یون فوسه»، نویسنده نروژی، به خاطر آنچه کمیته نوبل «نمایشنامه ها و نثر بدیعی که صدای ناگفتنیها را ارائه می دهد» خواند، موفق به کسب جایزه نوبل ادبیات شد.

آثار فوسه شامل بیش از ۴۰ نمایشنامه، رمان، مقاله، کتاب کودکان و همچنین ترجمه های فراوان است که به گزارش آکادمی سوئد، به زبان نروژی نو نوشته شده و ژانرهای مختلف را در بر می گیرد.

به گفته این آکادمی، او ماهیت و پیشینه نروژی خود را با تکنیک هنری در هم می آمیزد و به دلیل «افشای اضطراب و تعارض بنیادین انسان» در آثارش مورد ستایش قرار گرفته است.

«آندرس اولسون»، رییس کمیته نوبل، درباره فوسه و آثارش گفت که او حتی در نخستین نمایشنامه اش به نام «کسی می آید»، ویژگیهای خاص خود را با مضامینی چون «انتظار ترسناک و حسادت فلج کننده» نشان داده بود.

حجت بداعی برای «تحمل حبس» به دادسرای فرهنگ و رسانه احضار شد



حجت بداعی، نویسنده و شاعر، از احضار خود به دادسرای فرهنگ و رسانه خیر داد.

آقای بداعی حکم احضارش را در حساب کاربری خود در اینستاگرام به اشتراک گذاشت که از او می خواهد ظرف پنج روز برای «تحمل مجازات حبس و تفهیم مجازاتهای تکمیلی» به شعبه اجرای احکام کیفری مراجعه کند.

در این احضاریه نوشته شده که «نتیجه عدم حضور در مهلت مقرر، جلب است.»

خاطرات سلمان رشدی از سووقصد با چاقو منتشر می شود

خاطرات سلمان رشدی از حمله سال گذشته که باعث نابینایی چشم راست و آسیب دیدن دست چپ او شد، با عنوان «چاقو: مراقبه ها پس از اقدام به قتل» فروردین سال آینده منتشر خواهد شد.

آقای رشدی در بیانیه ای که روز چهارشنبه ۱۹ مهر از سوی موسسه انتشاراتی «پنگوئن رندوم هاوز» منتشر شد، گفت: «نوشتن این کتاب برای من ضروری بود؛ راهی برای تسلط بر آنچه که اتفاق افتاد و پاسخ دادن به خشونت به وسیله هنر.»

سیگارهای «آزادی»، «۵۷» و «بهمن» باغی شناخته شد

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی می گوید که بزودی به نامهای هنجار شکنانه سیگارهای «آزادی»، «۵۷» و «بهمن»، رسیدگی خواهد کرد.

رویدادهای هنری ماه (مهر ۱۴۰۲)

بقیه از صفحه ۱۴

خبرهای کوتاه از جهان هنر

نجوای رنگها

م. وحیدی (م. صبح)

روز را
و آفتاب را
در تاریکی جستجو کن!
در فرجام غروبی
که آرام آرام
در آینه گم می شود
و شادی را
در برگان خزان زده بی حاصل
زیر پای عابران جهان
آن جا
که دستها
در مرز ویرانی
به هم می رسند
نظرکن!
بر فلات خونفشان درد
در انباشت غریزه های سربی
وقتی
عریانی مرگ
روز مرگی را
بوسه می زند
و اتفاق
مجال تکثیر می یابد
صدای رنگها را
می شنوی؟!
کرانه ها
به وسعت دستهای ما
بنا می شوند
و هر آسمان
فاصله رسیدن را
کم می کند



سپهر پُر ستاره جنبش انقلابی اسامی شهیدان جاوید نام در مهر ۱۴۰۱

بقیه از صفحه ۱۱

منصور قربانی، اصفهان

سه شنبه ۲۸ مهر ۱۴۰۱

رامین کرمی، کرمانشاه

رضا خشنود هولاری، شانزده ساله، ساری

علی جلیلی، تهران

علی بنی اسد، اهواز



جاوید نام علی بنی اسد

چهارشنبه ۲۹ مهر ۱۴۰۱

فریدن خوش قائم، اشنویه

پنجشنبه ۳۰ مهر ۱۴۰۱

آرنیکا قائم مقامی، هفده ساله، تهران

سینا ملایری، اراک

مهدی فرحانی، خرمشهر

محمد خواجهی، دزفول

رحیم کلیج، قائمشهر

ابوالفضل باهو، قائمشهر

عزت الله شهبازی، تهران - اوین

مهر ۱۴۰۱، روز آن مشخص نشده

میثم مقدسی، تهران

پوریا کیانی، شوشتر

سارینا شیرینی، کرمانشاه



جاوید نام سارینا شیرینی

میثم جعفری، ورامین

مصطفی مقدم، عسلویه

هادی جلوداریان، اصفهان

امیر احمدی، تهران

جنگ بی پایان «طالبان» با مجسمه ها

به گفته منابع محلی در غزنی «مجسمه برات» در ولسوالی (شهرستان) «جاغوری» این ولایت به دست طالبان تخریب شده است.

«برات» نام یکی از شخصیت‌های شناخته شده فرهنگی و از بزرگان ولسوالی جاغوری بود که حدود صد سال پیش در این ولسوالی زندگی می کرد. او در امور خیریه، ساخت جاده ها، پل و مدرسه پیشتاز بود و در میان ساکنان از شهرت و محبوبیت ویژه ای برخوردار است.

به گفته ساکنان ولسوالی جاغوری، «برات» برای ایجاد سهولت در رفت و آمد مردم برای اولین بار سنگ بنای یک پل را در ناحیه «کته سنگ» این ولسوالی بنا نهاد که این پل دو قسمت این ولسوالی را به هم وصل کرده است. پس از آن این پل به نام «برات» نامگذاری شد.

طالبان پیش از این نیز در برخی ولایتها، چندین آثار تاریخی و باستانی را تخریب کرده اند. این گروه سال گذشته مجسمه «عبدالعلی مزاری» را در «بامیان» تخریب و سپس لوح سنگی قرآن را جایگزین آن کردند.

تخریب آثار باستانی و تاریخی یکی از میراث‌های تاریک حکمرانی طالبان بر افغانستان است. در سال ۲۰۰۱ که طالبان برای اولین بار بر افغانستان حاکم بودند، دو مجسمه بزرگ ارزشمند بودا را در بامیان منفجر کردند.

نمایشگاه آثار فیلیپ گاستون در موزه تیت مدرن بریتانیا

گالری «تیت مدرن»، یکی از معروف ترین مراکز هنری بریتانیا، این روزها، میزبان آثار «فیلیپ گاستون» است.

این نمایشگاه که بزرگ ترین مرور آثار او طی بیست سال گذشته در بریتانیاست، میزبان بیش از صد اثر این هنرمند طی پنج دهه کاری اوست؛ هنرمندی که همیشه با تردید به آثار خودش می نگریست و اصلاً در اساس مفهوم هنر را به زیر سوال می برد: «جنگ در ویتنام، اتفاقاتی که در آمریکا داشت می افتاد و خشونت جهان... چه جور انسانی هستم که بنشینم در خانه، مجله ام را بخوانم و درباره همه چیز خشمگین بشوم، بعد بروم در استودیو که حالا رنگ قرمز به کار بگیرم یا آبی؟» این جملات سیاسی - اجتماعی گاستون چکیده جهان اوست؛ هنرمندی که حتی وقتی فقط در حال خلق نقاشی آستره است هم - خودآگاه یا ناخودآگاه - به وقایع اجتماعی و سیاسی باز می گردد. از این رو این که گفته می شود «گاستون بعدها از نقاشیهای سیاسی خود دست کشید»، در اساس تعبیر درستی نیست، چرا که رگ و ریشه سیاسی و نگاه او و نوع برخوردش با هنر، تا آخرین آثارش در دهه هفتاد به نوعی سیاسی ماند.

(منابع: رادیو زمانه، رادیو فردا، جنگ خبر، صدای آمریکا، عصر ایران، بی بی سی)

شاندر پتوفی؛ شاعر و قهرمان ملی مجار

م. وحیدی

وطن... آیا می دانید/ چه وحشتناک ست وقتی مردم قیام می کنند؟/ وقتی دیگر درخواست نمی کنند/ و با زور/ حق شان را می گیرند؟... عشق و آزادی/ این دو را می خواهیم./ جانم را فدا می کنم/ در راه عشقم/ و عشقم را / در راه آزادی».

پتوفی شور و علاقه زیادی به پیروزی انقلاب کبیر فرانسه داشت و آن را الهام دهنده می خواند و با مطالعه ی بیشتر، از آن به عنوان «انجیل آزادی» یاد می کرد.

نوزده ساله بود که به پایتخت رفت. در مجلات ادبی شروع به نویسندگی و شاعری کرد و یاران و همفکران انقلابی تازه ای یافت. این دوستیها بعدها به اتحادی عمیق تر میان آنان منجر شد و از دل آن، سازمان رزم و شورش درآمد که در جریان انقلاب مجارستان، وارد عمل انقلابی شدند.

پتوفی در سروده ها، نوشته ها و گفتار سیاسی و اجتماعی خود و با تشریح، وضعیت نا به هنجار جامعه و تمامیت خواهی اشرافیان و زمینداران، آنان را آماج انتقاد خود قرار می داد. در این میان برخی رفرمیستها و روشنفکران وابسته حکومتی به جانبداری از فئودالها و اشراف حاکم می پرداختند. آنان خواستار اصلاحات و تشکیل مجلس قانونگذاری و ایجاد پارلمان شدند تا بتوانند با وضع قوانین و مقررات حکومتی، راحت تر سرمایه های کشور را چپاول و به یغما ببرند.

مجلس فرمایشی، زیر نظر حکومت تشکیل شد و مصوبات آن به تصویب می رسید. تنها چیزی که در آن مطرح نبود، حقوق و آزادیهای اجتماعی، اقتصادی و... سیاسی مردم بود.

پتوفی و همزمانش با مردود شمردن این مجلس، اعلام کردند: «تنها راه احقاق حقوق توده ها نبرد قهرآمیز و بیرون راندن استعمارگران از کشور است».

او در شعری خطاب به پادشاه وقت سرود: «با وسعت گنجینه های سرقت شده ات بدرخش! اما دیری نخواهد پایید.../ زیرا روزگار تو به سر رسیده/ و امیدم این ست که به زودی ببینم حصارهای ویران شده ات را/ به هنگام سقوط...».

پتوفی با انگیزه و آرمان انقلابی، دست به کار و راهی روستاها و شهرها می شد و با سخنرانی و شعرخوانی میان مردم، دانش و آگاهی آنان را افزایش می داد و برای پیکار با حاکمان ستمگران آماده شان می کرد.

سروده ها و سخنان او، یکپارچگی و شور، انگیزه و حرکت ایجاد می کرد و به توده ها شهامت، شجاعت و ایستادگی می آموخت: «به پا ای مجار!... وطن/ تو را می خواند/ اکنون فرصت فرارسیده ست/ حالا یا هرگز/ اسیر باشیم یا آزاد؟/ این است مسأله/ و باید انتخاب کرد./... پست و فرومایه ست، آن کس که جرأت مردن ندارد./ شمشیر از زنجیر درخشان ترست/ و دست را بهتر زینت می دهد./ ای جوانان! بکوشید و دلیر باشید! ما فلفلها را در هم می شکنیم./ سرنیزه در قلب ما خوش تر است/ تا زنجیری بر دستهامان، به پیش به نام آزادی!».

با قیام مردم در کشورهای آلمان و... ایتالیا، مجارستان نیز به پاخاست و فریاد آزادیخواهی سر داد. پتوفی و رفقای انقلابی اش رهبری قیام را برعهده گرفتند. آنان با حمله به مراکز دولتی و زندانها و مجلس، سلاحها و تجهیزات دشمن را مصادره و علیه خودشان به کار می گرفتند. حاکمیت اشغالگر، وحشت زده تلاش می کرد تا مانع هزیمت و شکست خود شود و با بازکردن جبهه های جدید، سعی می کرد انقلابیان را درگیر و فرسوده نگاه دارد تا به نتیجه نرسند. در نهایت با کمک گرفتن از امپراطوری تزاری روسیه و سازمان دادن لشکریان شکست خورده ی خود، مراکز از دست رفته را بازپس گرفته و شروع به تهاجم و پیشروی کردند.

روزها و شبهای خونینی در جنگ و نبرد سپری می شد. مردم توسط انقلابیان مسلح و آموزش می دیدند و وارد کارزار می شدند: «در حالی که نبرد ادامه دارد/ من همراه شعرهایم می جنگم/ افکار من از آن جوانان تن پرور نیست/ که به خاطر عیش و نوش زندگی می کنند/... من شعله ای آسمانی در دل دارم/ هر ضربه ی قلبم/ نیایشی ست برای خوش بختی جهان./ در این صورت من با دستهای خود خواهم ساخت/ صلیبی را که با آن میخکوب خواهم شد...».

بقیه در صفحه ۱۷



«یک فکر آرام می دهد
بر روی بالشهای تخت، مردن
به آهستگی پژمردن
به آهستگی نابود شدن...
من چنین مرگی را نمی خواهم
می خواهم درختی باشم
که صاعقه او را می افکند
و از روی نعش من
اسبان
نفس زنان
به سوی پیروزی دشوار بتازند.» (شاندر پتوفی، ۱۸۲۳-۱۸۴۹)

شاندر پتوفی قهرمان ملی، شاعری مشهور و جهانی و ستاره ای نوظهور در جنبش آزادیخواهانه ی مردم مجارستان بود؛ با صفات انقلابی، اخلاقی و انسانی متعالی با شجاعتی کم نظیر که در نبرد برای آزادی و عدالت به شهادت رسید. شاعری جنگنده و متعهد که برای همان دوران پا به عرصه ی وجود گذاشت و عنوان «قهرمان ملی» گرفت. وی جهان شعر خود را با جهان واقعیتی که با آن درگیر بود، عجین نمود و از آن سلاخی ساخت تا هویت و شرف خویش و مردمش را از استعمارگران بازپس گیرد.

اشعار او فریاد زندگی، دادخواهی و آرمان گراست و ما خود را در آن بازمی یابیم. شاعری که با بازآفرینی محیط خود و جنبه های مختلف زندگی و مبارزه ی انسان با ظلم و نابرابری، تصویری واقعی، پویا و جامع از روزگار خود ارائه داده است. او همواره در جست و جو و تلاش و شناخت خویشتن بود و این گونه، ثقل آرزوها و امیدهای مردمش گردید. وی معتقد بود که تنها با پیکار در راه آزادی و جانفشانی است که می توان حاکم بر سرنوشت خویش شد و مسیر آینده را ترسیم کرد.

شاندر پتوفی دهقان زاده ای فقیر و بی چیز و اهل مجارستان بود. در شانزده سالگی مجبور به ترک تحصیل شد. شرایط زندگی دشوار خانواده و عسرت وی، او را مجبور به ترک خانه و شهر و دیار کرد. با سفری دور و دراز به شهرهای میهنش تجربیات ارزشمندی کسب نمود و مسیرهای تازه ای را در شناخت و دگرگونی احوال خویش و محیطش کشف کرد. چنین بود که دریافت مردم ستمدیده ی میهنش در چه فلاکتی به سر می برند.

در سفرش با گروهی از هنرمندان سیار تئاتر آشنا و به آنها پیوست. مدتی بازیگر شد و در کنار کارش به سرودن شعر پرداخت. علاقه اش به شعر، ادبیات و تاریخ، وی را به مطالعه ی آزاد کشاند و تلاش کرد با فرهنگ و تاریخ سایر ملل نیز آشنایی پیدا کند و بیشتر بیاموزد.

پتوفی در طول سفرش، قصهها، ضرب المثلهای و ترانه های فولکلوریک را جمع آوری و یادداشت می کرد تا دانسته ها و آگاهی اش را افزایش دهد. چیزی که او را می آزد «حضور بیگانگان اتریشی حاکم بر کشور» بود؛ آنان که سرمایه های ملی، طبیعی و معنوی مردم را غارت و با جنگ طلبی و به جبهه کشاندن فرزندان دهقانان، کشور را به فلاکت و خاک سیاه نشانده بودند: «دوران غمگین و روزگار سیاهی است/ ای وطن! تو تسلیم نخواهی شد/ و می بینم/ آتش خشمی چهره ات را فروزان کرده ست/ دست تو به سوی شمشیرت خواهد رفت/... باید پرچم حرکت ما به اهتزاز درآید... سرود من/ پیشگوی توفان است/ ای انقلاب!».

ظلم و استثمار، بی قانونی، جنگ و کشورگشایی توسط حاکمان اتریشی، پتوفی و مردم را ناگزیز به مسیر قیام می کشاند و فریاد آنان را برطنین تر می ساخت: «حقوق انسانی توده ها را بدهید!... چرا برای خود این همه امتیاز قایلید؟/ چرا حق/ جز در میان شما معنی ندارد؟/... به نام پرافتخار بشریت! حقوق مردم را به رسمیت بشناسید/ و حق آنها را بدهید/ و نیز به نام مقدس

یکمین سالگرد جمعه خونین زاهدان



شان‌دور پتوفی؛ شاعر و قهرمان ملی مجار

بقیه از صفحه ۱۶



در نهایت، نیروهای انقلابی مجبور به عقب نشینی شدند و دولت اشغالگر اتریشی بر شهرها و روستاها مسلط گردید.

پتوفی در خط مقدم نبرد به شدت مجروح و مدتی بعد جان سپرد. او هنگام مرگ بیست و شش سال داشت. نام او تا سالها و تا قبل از استقلال مجارستان، در اواسط قرن بیستم برده نمی شد و اشعار و آثار وی دور از دسترس مردم قرار می گرفت. اما پس از استقلال مجارستان، از او به عنوان «قهرمانی ملی» یاد شد و تندیسها و مجسمه های بزرگ و باشکوهی از وی در شهرهای مختلف برپا گردید.

سروده های پرشور و مردمی او، روان و بی تکلف و تأثیرگذار و جریان متحول زندگی خود اوست که هم چنان به حیات خود ادامه می دهد و متعلق به همه ی ادوار بشری ست. اشعار وی بی پیرایه، واقعگرا و آمیخته ای از عشق به بشریت و آزادی، وطن پرستی و زیباییهای طبیعت است. او در عمر کوتاه اما ارزشمند خود بیش از هشتصد قطعه ی کوتاه و بلند شعر سرود و جایگاهی ممتاز در شعر و ادبیات جهان یافت. اشعار او به زبانهای گوناگون ترجمه و نشر یافت و در تجلیل و ستایش وی ترانه ها و سروده های بسیاری ساخته اند.

شان‌دور پتوفی کتابی ست از فداکاری و جانبازی، آزادی و عشق به انسانها که نسل به نسل منتقل و خوانده می شود. «صبر و بردباری» یکی از سروده های اوست که در نكوش و تقبیح «بی حرکتی، انفعال و صبر» نوشته و سراییده شده است: [ای بردباری!] «ای مایه ی افتخار گوسفندان و خران! / به اعماق جهنم گمشو! / تو کاسه ای خالی هستی / که همه چیز را گر به لیسیده ست... / او که از تو چه بزارم! / و چه نفرت دارم! / چون هرجا تو آغاز می شوی / خوشبختی پایان می یابد / و تا تو بر زمین هستی / همیشه بینوا خواهیم بود...» *

* اشعار از شان‌دور پتوفی

و با شعرهای «نترسید نترسید ما همه با هم هستیم» و «بی شرف بی شرف» مزدوران را فراری دادند. روز شنبه ۸ مهر، در سالگرد جمعه خونین زاهدان، کسبه و بازاریان در زاهدان، چابهار، سراوان، دشتیاری، سفیدابه نيمروز و... دست به اعتصاب زدند. بازار مشترک در زاهدان به طور کامل تعطیل بود. همزمان جوانان دلیر بلوچ شب گذشته و امروز در مناطق مختلف زاهدان با روشن کردن آتش و بستن راهها خاطره شهیدان ۸ مهر پارسال را گرامی داشتند.

به گزارش حال وش، درست یک سال پیش، شهر زاهدان در پس زمینه اعتراضات سراسری در ایران، شاهد قتل عام حدود یکصد شهروند بلوچ از جمله دستکم ۱۵ کودک توسط نیروهای انتظامی-

روز جمعه ۷ مهر، در سالگرد کشتار ۸ مهر ۱۴۰۱، مردم آزادیخواه بلوچ در شهرهای زاهدان، راسک، خاش، سوران، نفتان و ... باوجود اقدامات گسترده سرکوبگرانه، پس از نماز جمعه در خیابانهای این شهرها دست به تظاهرات زدند و زیر شلیک گلوله و گاز اشک‌آور با نیروهای سرکوبگر به مقابله پرداختند. به گزارش دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، تظاهرکنندگان با شعارهای «مرگ بر خامنه ای»، «مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر»، «می کشم می کشم آنکه برادرم کشت»، «بسیجی سپاهی داعش ما شمابید»، «کشته شده خدانور به دست چند تا مزدور»، «بلوچ می میرد،



دلت نمی پذیرد» و «تجاوز جنایت مرگ بر این ولایت» بر عزم خود برای دادخواهی خون شهیدان تا سرنگونی فاشیسم دینی حاکم بر ایران تأکید کردند. مأموران جنایتکار خامنه‌ای در زاهدان در مناطق شیرآباد، مشترک، کشاورز و خیام به تظاهرکنندگان یورش برده و به سمت آنان تیراندازی کردند. دستکم ۱۹ تن از جمله چند کودک مجروح شدند. مزدوران به داخل مسجد مکی نیز گاز اشک‌آور پرتاب کردند اما مردم خشمگین و دل‌آور زاهدان ایستادگی کرده

امنیتی شد که این فاجعه اکنون به نام «جمعه خونین زاهدان» شناخته می شود. در یکسالگی که گذشت شهروندان بلوچ به صورت پیوسته به اعتراضات خود ادامه دادند با این حال تا این لحظه هیچ فردی به خاطر ایفای نقش در قتل عام معترضان مورد تعقیب و برخورد قضایی جدی قرار نگرفته است.

زنان در مسیر رهایی (مهر ۱۴۰۲)

اسد طاهری

نوزدهمین دوره از بازیهای آسیایی در هانگژو (چین) برگزار شد. دومین روز این بازیها در شرایطی با رقابت ورزشکاران ایران در رشته های مختلف پیگیری شد که در روز اول تعداد شکستها و حذف شده ها از موقعیتها بیشتر بود. در ادامه روز بعد دختران ایران در تکواندو، دوچرخه سواری و قایقرانی صاحب مدال شدند. تا روز دوم مسابقات از ۸ مدال به دست آمده در کاروان ایران ۵ مدال توسط باتوان کسب شده است.

دختران ورزشکار ایرانی در بازیهای آسیایی پس از کسب مدال در حمایت از آسیب دیدگان چشمی جنبش انقلابی مردم ایران هنگام عکس یادگاری مدالهای خود را بر روی چشمان شان قرار دادند.

بازیهای آسیایی یک رویداد چند ورزشی در قاره آسیاست که از ۲۳ سپتامبر (شنبه یکم مهر) تا ۸ اکتبر ۲۰۲۳ (یکشنبه ۱۶ مهر) در هانگژو، استان ژجیانگ، چین برگزار شد.

کسب یک سوم کرسیهای مجلس سفلی و ایالتی هند توسط زنان



نرگس محمدی، برنده ایرانی جایزه صلح نوبل



نام نرگس محمدی که در یک دهه گذشته به عنوان یکی از صریح اللهجه ترین منتقدان حکومت ایران جا افتاده است، پیش از آن بیشتر به خاطر نظارت بر وضعیت حقوق بشر در این کشور مطرح بود.

خانم محمدی اگرچه سابقه بازداشت در اواخر دهه هفتاد شمسی را دارد اما بازداشت او در سال ۱۳۸۹ در مقام نایب رئیسی و سخنگویی کانون مدافعان حقوق بشر بود که نامش را بیش از پیش در کانون توجه قرار داد.

او عضو نهادی بود که در اوج فعالیتهايش در اواسط دهه هشتاد شمسی، نظارت بر وضعیت حقوق بشر در ایران و دفاع از متهمان و زندانیان سیاسی در این کشور را بر عهده داشت.

کانون مدافعان حقوق بشر که ریاست آن برعهده شیرین عبادی، برنده جایزه صلح نوبل ۲۰۰۳ است، پیش از پلمپ دفتر آن در تهران، محل حضور شماری از شناخته شده ترین وکلای حقوق بشری ایران مانند عبدالفتاح سلطانی، محمد شریف، محمد سیفزاده و محمدعلی دادخواه بود.

خانم محمدی در همان زمانها علاوه بر کانون مدافعان حقوق بشر در شورای ملی صلح به عنوان رئیس هیات اجرایی آن فعال شد و بعدها در کارزار «لغو گام به گام اعدام»، موسوم به «لگام» مشغول به فعالیت شد.

او در سالهای گذشته با اتخاذ موضعی مانند «لزوم گذار از حکومت جمهوری اسلامی و استبداد دینی» و همچنین «تحریم انتخابات»، لحن تندتری به فعالیتهايش داده است.

خانم محمدی از جمله ۱۵ فعال سیاسی و مدنی ایرانی است که حکومت ایران را «اصلاح ناپذیر» دانسته و خواستار برگزاری همه پرسی تحت نظارت سازمان ملل متحد شده است.

او همچنین در بهمن سال ۱۳۹۸ از مردم ایران خواست که «به حرمت خون کشته شدگان آبان» در انتخابات مجلس شرکت نکنند.

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: یورونیوز، دوپچه وله، بی بی سی)

پارلمان هند لایحه ای را تصویب کرد که بر اساس آن، زنان در مجلس سفلی و مجلس ایالتی یک سوم کرسیها را در اختیار می گیرند. اما به نظر می رسد این کشور تا رسیدن به این نقطه عطف تاریخی در مجالس خود فاصله زیادی دارد زیرا این قانون تنها پس از تکمیل سرشماری بعدی هند و ترسیم مجدد مرزهای حوزه های انتخابیه اجرا می شود. انتظار می رود این فرآیندهای پیچیده چندین سال طول بکشد.

روز چهارشنبه (۲۰ سپتامبر/۲۹ شهریور)، لوک سبها یا مجلس سفلی هند، قانون «احترام به قدرت زنان» را به اتفاق آرا - با رأی موافق ۴۵۴ نماینده از ۴۵۶ نماینده حاضر، تصویب کرد.

روز پنجشنبه (۲۱ سپتامبر/۳۰ شهریور) هم، مجلس علیا یا راجیا سبها، این لایحه را مورد بحث قرار داد و به اتفاق آرا تصویب کرد.

اکنون این لایحه باید به امضای رئیس جمهور برسد تا به قانون تبدیل شود، اما تحلیلگران می گویند که این یک امر تشریفاتی است و رئیس جمهور آن را امضا می کند.

تصویب این لایحه که بیش از ربع قرن در دست بررسی بوده، از سوی دولت «تاریخی» توصیف شده است. نخست وزیر نارندرا مودی گفته است که این امر «توانمندی زنان را تقویت می کند و امکان مشارکت بیشتر زنان را در روند سیاسی ما فراهم می کند».

اما سیاستمداران مخالف، دولت را به «خیانت به میلیونها زن و دختر هندی» با مبهم نگه داشتن جدول زمانی اجرای آن متهم می کنند.

سونیا گاندی، رئیس سابق حزب کنگره که پیش از این خواستار اجرای فوری آن شده بود، پرسیده: «زنان باید چند سال منتظر بمانند؛ دو، چهار، هشت سال؟»

او گفته بود که به طور خاص باید کرسیهایی را برای زنان متعلق به گروههای فرودست تر اجتماعی-اقتصادی و برخی کاستها در نظر گرفت.

زنان ایران در بازیهای آسیایی



دانشگاه در ماهی که گذشت (مهر ۱۴۰۲)

کامران عالمی نژاد

اعتراض شورای صنفی دانشگاه خواجه نصیر در پی ضرب و شتم یک دانشجو



ظهر روز سه شنبه ۴ مهر، رئیس حراست این دانشگاه، بهروز کرد، یک دانشجوی دختر را به بهانه ی حجاب و همراه با دادویداد، توهین و ضرب و شتم از ورود به دانشگاه منع کرد. این ممنوعیت ورود به دانشگاه در حالی رخ داد که هیچ حکمی مبنی بر ممنوع الورد بودن دانشجو وجود نداشت و حراست در روندی غیر قانونی و با برخورد فیزیکی مانع ورود دانشجو به دانشگاه شد.

بیانیه مشترک فعالان دانشجویی و صنفی دانشگاههای کشور

ما بازمی‌گردیم ...

بیانیه مشترک فعالان دانشجویی و صنفی دانشگاه‌های کشور به مناسبت بازگشایی دانشگاه‌ها

دانشگاه اصفهان	دانشگاه جمران اهواز
دانشگاه هنر اصفهان	دانشگاه الزهرا
دانشگاه نوشیروانی بابل	دانشگاه علامه طباطبایی
دانشگاه یزد	دانشگاه خواجه نصیر
دانشگاه تهران	دانشگاه فردوسی مشهد
دانشگاه هنر	دانشگاه تربیت مدرس
دانشگاه بهشتی	دانشگاه گیلان

به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید، فعالان و تشکلهای دانشجویی بیانیه‌هایی منتشر کردند. یکی از این بیانیه‌ها از جانب فعالان چهارده دانشگاه در روز شنبه یکم مهر منتشر شد که بخشهایی از آن در زیر آمده است:

«ما بازمی‌گردیم...»

در سالی که گذشت، ما دانشجویان همگام با دیگر اقشار مردم در دانشگاه‌ها صدای اعتراض به ستم و استبداد را بلند کردیم و با هم‌زمانان در خیابان پیمان مقاومت بستیم. بهای این ایستادگی زیاد و دستاوردهای آن ماندگار بود؛ بازداشت، اخراج، تعلیق و تهدید شدیم، اما پس از گذشت یک سال به نقطه‌ای رسیده ایم که باور داریم قدم در راهی بی بازگشت و رو به جلو نهاده ایم که بدل به آگاهی همگانی در بین ما شده است.

اکنون استبداد شاید بیش از هر زمان دیگر از بدو تاسیس، کمر به قتل دانشگاه بسته است؛ از حذف دانشجویان و اساتید غیرهمسو از فضای دانشگاه، اخته کردن تشکلهای و محدود ساختن حوزه فعالیت شان، تفکیک و حذف یک به یک فضاهای دانشجویی، محروم کردن دانشجویان از امکانات رفاهی درخور و به حقتشان گرفته تا حرکت به سوی پولی سازی دانشگاه و حذف آموزش رایگان. گرچه رد تازیانه انضباط شان پابرجاست اما زخمشان کاری نیست؛ چراکه تجربه‌ی متناوب «خواسن، سرکوب و ایستادگی» در سالی که گذشت، ما را وارد مرحله‌ی تازه‌ای از کنشگری و مقاومت برای رسیدن به آرمانهایمان کرده است که اقدامات سرکوبگرانه حکومت را بی اثر خواهد کرد.

ما، جمعی از فعالان صنفی دانشگاههای کشور، گوشه‌ای از این ایستادگیهای ماندگار دانشجویان در برابر سرکوب را در سلسله گزارش جنبش جمع آوری کردیم تا در یادها بماند آنچه کردیم و گذشت بر ما.

اکنون به جلو می‌نگریم؛ در حالی در آستانه‌ی آغاز سال تحصیلی جدید قرار داریم که دانشگاه در بسیاری از ساختها نامولد شده است، شرایطی که ما را با پرسشهایی جدی و سازنده مواجه می‌سازد. حال با انباشتی از تجربه و در امتداد مسیر بی بازگشتی که طی کرده ایم، وقت بازپسگیری و بازتعریف دوباره‌ی دانشگاه به عنوان میدانی برای تخیل و ساخت آینده و مبارزه برای رسیدن به آن است. هم اکنون در درون جنبش دانشجویی سنت و ادبیاتی درحال ساخته شدن است که خار چشم استبداد و آتشی روشنی بخش برای راهی ست که به سوی فردا در پیش گرفته ایم.»

رونمایی از «گشت حجاب» در دانشگاهها



روز سه شنبه ۴ مهر، منابع خبری دانشجویی از برقراری «گشت حجاب» در دانشگاه تهران و الزام دانشجویان به پوشیدن «مقتعه و مانتو بلند» تا «پایین زانو» خبر دادند.

در این رابطه حراست دانشگاه تهران مانع ورود دانشجویان با روسری از درب اصلی شده و اعلام کرد برای ورود، دانشجویان «مزم به پوشیدن مقتعه و مانتو تا پایین زانو هستند». همزمان «گشتهای حجاب» در محوطه مرکزی دانشگاه تهران شروع به فعالیت کردند.

این در حالی است که لایحه مصوب مجلس تحت عنوان «عفاف و حجاب» نیز تاکید کرده است که باید «بانک اطلاعاتی دانش آموزان و دانشجویان» به منظور شناسایی افراد بی حجاب در اختیار «نیروی انتظامی» قرار گیرد. در همین رابطه ۲۹ شهریور ماه جدیدترین «شیوه نامه اجرایی رفتار و پوشش حرفه‌ای» دانشجویان علوم پزشکی و دستیاران برای سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ منتشر شد.

در این شیوه نامه آمده است که «هرگونه پوشش کوتاه یا تنگ، مانتو جلو باز، جنس حریر، تور و یا لباسهای یقه باز که بدن را نمایان سازد، ممنوع است».

سامانه «تشخیص چهره»؛ حربه کنترل دانشجویان



روز دوشنبه ۳ مهر، دانشگاه شیراز از راه‌اندازی سامانه تشخیص چهره دانشجویان در سلفها خبر داده است. این سامانه بناست جایگزین روال مرسوم ارائه غذای دانشجویی با استفاده از کارت باشد. همچنین به گفته مدیریت امور دانشجویی، هزینه راه‌اندازی این سامانه ۷۰۰ میلیون تومان برآورد شده است. علت راه‌اندازی این سامانه مشکلات دانشجویان در تهیه غذا به دلیل همراه نداشتن کارت و «مدیریت هزینه‌ها» عنوان شده است!

مسئولان معتقدند که حجم زیادی از غذاهای دانشجویی توسط غیردانشجویان مورد بهربرداری قرار می‌گیرد و این امر، اتلاف بودجه دانشگاه است. اتخاذ این رویه به معنای محدود ساختن دانشجویان و کنترل بیشتر آنان است. یقیناً این سامانه در تشخیص چهره دانشجویان با مشکلات متعددی روبرو می‌شود و در قدم بعدی، دانشجو مجبور خواهد شد تا برای گرفتن غذا، پوشش و ظاهر خود را به شکلی ثابت و قابل «تشخیص» برای این دستگاهها تنظیم کند که به معنای کنترل بیشتر دانشگاه بر شخصی‌ترین مسائل دانشجویان است. همچنین با توجه به دخالت نهادهای امنیتی در دانشگاهها، این سامانه می‌تواند به عنوان ابزاری جهت سرکوب دانشجویان به کار برده شود.

اعتراض یک دانشجو به محرومیت از تحصیل



دینا قالیباف، دانشجوی کارشناسی رشته علوم سیاسی دانشگاه بهشتی که با حکم کمیته انضباطی به دو ترم منع موقت از تحصیل با احتساب سنوات محکوم شده بود، روز شنبه ۸ مهر، مقابل درب دندان پزشکی این دانشگاه با پلاکاردی اعتراض خود نسبت به این حکم را اعلام کرد و خواهان بازگشت به تحصیل شد. متن نوشته شده روی این پلاکارد: «اینجانب دینا قالیباف که به دلیل فعالیت دانشجویی به اشد مجازات محکوم شدم، خواهان بازگشت به تحصیل هستم.»

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۱۹



خفتگیری و ایجاد مزاحمت به بهانه حجاب

بنا به گزارشات متعدد از دانشگاه نوشیروانی بابل، با شروع کلاسهای دانشگاه در کوچه های اطراف خوابگاه دخترانه ی ریحانه، افرادی با ماسک حضور دارند و برای دانشجویان ساکن در این خوابگاه مزاحمت ایجاد می کنند.

گفته می شود این افراد، دانشجویان را در هنگام بازگشت به خوابگاه در کوچه کنار خوابگاه خفت کرده و با توهین، فحاشی و تهدید تذکر حجاب می دهند. گفتنی است که باوجود گزارش دانشجویان به مسئولان دانشگاه، هیچ اقدامی در این خصوص صورت نگرفته است و این اتفاق چندین بار تکرار شده است.

اعتراض دانشجویان علیه تفکیک جنسیتی در سالن مطالعه



روز دوشنبه ۱۷ مهر، در واکنش به تفکیک جنسیتی در سالن مطالعه دانشکده انرژی دانشگاه صنعتی شریف توسط مسئولان دانشگاهی، دانشجویان از صبح نسبت به این تصمیم قرون وسطایی اعتراض کرده و در محل سالن بر روی زمین نشستند، دانشجویان بر روی پلاکارهای همراه خود نوشته بودند: تفکیک جنسیتی نمی خوایم نمی خوایم! نه به تفکیک جنسیتی، نه به دیوار! راه حلهای شما، مشکلات ماست.

بیانیه نهاد آزاداندیشان جندی شاپور تی دشمنان شرافتمندی هم نیستید... «بسیج دانشجویی دانشگاه جندی شاپور اهواز، فراخوان تجمع دانشجویی در حمایت از عملیات «بزرگ» و «موفق» مجاهدین فلسطینی داده است.

عملیاتی که موفقیتش این است که زنی مسافر را می کشد، برهنه می کند و برای قدرتمایی نرهای مسلمان «الله و اکبر، الله و اکبر» گویان منتشر می کند. عملیاتی که بزرگی اش به این است، زنی که برای صلح آمده است را می رباید و می کشد. در خیابانهای خونین آبان و نیزار خونین ماهشهر و جمعه خونین زاهدان و هزاران هزار جنایت دیگر، جمهوری اسلامی نشان داد همانند حماس و داعش، سر می زند که از خون اسلام برآورد!

ما منتهاست بسیج را از زمره تشکلهای دانشجویی خارج می دانیم. بسیج و بسیجیهای شاخص دانشگاه، همانهایی که علوم پایه را پاس نکرده اینترنت می شوند، همانهایی که از دانشگاه می دزدند و به زیارت می روند و... دانشجوی نیستند؛ نیروهای سرکوب و توحش در دانشگاهند.

همراهی با بسیج، نه فقط در فعالیتهای سیاسی که در جشن تا جهاد؛ مهر تابیدی بر تمامی وحشیگریها و فسادهای آنان است. از همه ی شما دعوت می کنیم این تشکلی که به جای دانشجویی بودن مهره ی سیاسی جمهوری اسلامی در دانشگاه است را طرد کرده و گول هیچ یک از ظواهر فریبکاری آنان را نخورید.

به امید روزی که توحش از ایرانمان رخت ببندد.

تا ابد زن، زندگی، آزادی»

انقلاب زن زندگی آزادی، یک «نه» بزرگ به تروریسم و جنگ است؛ یک «آری» کم به صلح، انسانیت و سکولاریسم!

(بیانیه مشترک تشکلهای و گروههای دانشجویی سراسر کشور)

طی روزهای گذشته متأسفانه شاهد حمله نظامی گروه تروریستی حماس تحت حمایت جمهوری اسلامی به اسرائیل و ارتکاب جنایتهای هولناکی علیه شهروندان غیر نظامی از جمله کودکان شدند که خشم میلیونها انسان آزادیخواه در سراسر جهان را برانگیخت و در ادامه تقابل نظامی دولت اسرائیل و آغاز یک جنگ ویرانگر و وحشیانه دیگر در خاورمیانه بوده ایم. واقعه تلخی که ساعت به ساعت آمار کشته شدگان و آسیب دیدگان آن افزایش می یابد.

آنچه در حقیقت رخ می دهد، تقابل سازمانها، جریانات و دستجات فاشیست اسلامی با حمایت حکومتهای جنایتکاری مثل جمهوری اسلامی از یکسو و جریانات فاشیست یهودی و اسرائیلی از سوی دیگر است.

استعفای دسته جمعی اعضای شورای صنفی استادان دانشگاه شریف

این حرکت جمعی که در عمل منجر به انحلال این شورا شد، در آستانه سالگرد حمله به دانشگاه شریف در تاریخ دهم مهر ماه ۱۴۰۱، صورت گرفت. وحید کریمی، استاد دانشکده فیزیک و دبیر کانون صنفی استادان دانشگاه شریف، روز یکشنبه ۹ مهر، با انتشار نامه ای دلیل تصمیم خود را احضار توسط یک نهاد خارج از دانشگاه اعلام کرد. وی در نامه خود با بیان اینکه این کانون با هدف استفاده بهینه از نظرات هیات علمی و کمک به مدیریت دانشگاهها برای اداره هرچه بهتر امور دانشگاه تشکیل شد.

کریمی در ادامه با تاکید بر اینکه گمان نمی کرده که انجام این وظیفه دانشگاهی منجر به دعوت از او توسط یک نهاد [امنیتی] بیرونی برای مذاکره درباره مسائل دانشگاه شود و طبیعتاً ضمن استقبال از چنین مذاکره ای در دفتر کار خود، تحکم برای حضور در نهادی خارج از دانشگاه را مخالف احترام به مقام همه استادان دانشگاه به طور کلی می دانم.

موج استعفای اعضای شورای صنفی استادان دانشگاه شریف به این سه استاد محدود نماند و شامگاه شنبه ۸ مهر سهراب راهوار استاد دانشکده فیزیک و علی عابدیان استاد دانشکده مهندسی هوافضا این دانشگاه نیز از «شورای صنفی استادان دانشگاه شریف» استعفا کردند.

اعلام نتایج کنکور سراسری: اکثر پذیرفته شدگان زن هستند



روز جمعه ۱۴ مهر، سازمان سنجش آموزش ایران اسامی پذیرفته شدگان آزمون سراسری رشته های مختلف تحصیلی دوره های روزانه، نوبت دوم (شبانه)، مراکز آموزشی دانشگاه پیام نور، پردیسهای فرهنگیان و تربیت دبیر

رجایی، مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی و غیردولتی، رشته های تحصیلی مجازی، پردیس و شهریه پرداز دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور در رشته های تحصیلی با آزمون و پذیرش صرفاً بر اساس سوابق تحصیلی، همچنین رشته های تحصیلی پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی و دامپزشکی دانشگاه آزاد اسلامی برای سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ را اعلام کرد. به گفته رئیس این سازمان، در آزمون سراسری سال ۱۴۰۲ کلیه دانشگاهها و مراکز آموزش عالی و چهار رشته دانشگاه آزاد اسلامی تعداد ۴۸۲ هزار و ۵۹۹ داوطلب قبول شده اند که از این تعداد ۱۸۹ هزار و ۸۴۰ داوطلب در رشته های تحصیلی با آزمون و ۲۹۲ هزار و ۷۵۹ داوطلب در پذیرش صرفاً بر اساس سوابق تحصیلی پذیرفته شده اند.

بر اساس این گزارش حدود ۶۱ درصد پذیرفته شدگان زن و حدود ۳۹ درصد مرد هستند.

تجمع دانشجویان دانشگاه چمران اهواز



ظهر روز یکشنبه ۱۶ مهر، در سلف مرکزی دانشگاه چمران اهواز تعداد زیادی از دانشجویان در اعتراض به افت کیفیت شدید غذاها، حذف نوشیدنی و اقلام کنار غذاها، کاهش اندازه غذا، وعده

های تک منویی و به طور کلی کاهش شدید کیفیت خدمات تغذیه با وجود افزایش خیلی زیاد قیمتها، از خوردن غذا خودداری کرده و سینیهای غذا را به نشانه اعتراض روی زمین گذاشتند.

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۲۰

نظام کثیف اسلامی حاکم در کشورمان که همین حالا هم باید پاسخگوی وضعیت آرمیتا گراوند باشد، سعی می‌کند با تمام توان بر طبل جنگ بکوبد تا صدای اعتراضات به حق مردمی در کشورمان و انقلاب «زن زندگی آزادی» را به حاشیه براند.

این دقیقاً همان کاری هست که طرفین این خصم تماماً ضد مردمی دنبال می‌کنند. نه حماس و جریانات اسلامگرای منطقه نظیر حزب‌الله و دولت اردوغان و جمهوری اسلامی و پاکستان و طالبان نماینده مردم فلسطین و نماینده صلح و امنیت هستند و نه دولت بنیادگرای اسرائیل نماینده مردم اسرائیل و صلح و امنیت.

ما دانشجویان مبارز و انقلابیون «زن زندگی آزادی»، صریحاً اعلام می‌کنیم که در این جنگ ضدانسانی، طرف هیچ جریان مرتجعی نمی‌ایستیم و مخالف آغاز و تداوم هرگونه تجاوز نظامی به زندگی مردم اسرائیل و فلسطین هستیم. این جنگ ضد مردمی هست و پشت آن تنها منفعت دولتهای حاکم و گروههای تروریستی وجود دارد. این جنگ باید سریعاً پایان یابد و تمام عاملان و آمران این توحش باید مورد پیگرد بین‌المللی و محاکمه قرار بگیرند.

ما اعلام می‌کنیم یکی از اقدامات تعیین کننده برای پایان دادن به این وضعیت در ایران و خاورمیانه، از راه تداوم قدرتمندانه تر اعتراضات و پیروزی انقلاب «زن زندگی آزادی» و سرنگونی هرچه سریعتر جمهوری اسلامی می‌گذرد.

سرنگونی جمهوری اسلامی توسط مبارزات مردم باعث تضعیف سراسری جنبش اسلام سیاسی خواهد شد و شریانهای اقتصادی، نظامی و سیاسی و تبلیغی این جریانات آدمکش قطع و بسیار تضعیف خواهد شد.

بیش از ۳۰ هزار استاد حق التدریسی از دانشگاه آزاد حذف شدند

از ابتدای مهر ماه امسال و به دنبال اجرای تصمیم مهدی طهرانچی، رییس دانشگاه آزاد، ۳۲ هزار استاد حق التدریسی از واحدها و رشته‌های مختلف این دانشگاه حذف شده و به جای این استادان ۲۰ هزار دانشجوی ترم اول یا دوم مقطع دکتری دانشگاه آزاد که هنوز در حال تحصیل هستند، برای تدریس به دانشجویان مقطع کاردانی و کارشناسی این دانشگاه جذب شده اند. این دانشجویان، پس از ثبت نام در یک دوره آموزشی ۴۰ ساعته با عنوان دوره "مدرسی"، به کرسی استادی در دانشگاه آزاد رسیده اند. این "استادان" جدید قرار است بابت این حضور "جایزه تحصیلی" بگیرند و شهریه کمتری بپردازند.

نامه های تهدیدآمیز «حراست» به دانشجویان دختر دانشگاه علامه تهران

فعالان دانشجویی از افزایش فشارهای امنیتی بر دانشجویان دختر در دانشگاههای ایران خبر دادند. آنها می‌گویند که پس از موج احضارها، تعلق و اخراج دانشجویان، شماری از دانشجویان دختر در دانشگاه علامه تهران «نامه هایی بدون شماره و تاریخ از حراست» دریافت کرده که حاوی «تهدید و ارباب» دانشجویان به خاطر عدم رعایت حجاب اجباری است. روز یکشنبه ۲۳ مهر ماه دستکم ۲۰ تن از دانشجویان دختر دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی هنگام ورود به این دانشکده از ماموران حراست نامه هایی دریافت کردند.

این نامه ها که در سربرگ رسمی دانشگاه علامه طباطبایی نوشته شده اند، شماره نامه و تاریخ ندارند. در این نامه ها به دانشجویان دختر اخطار داده شده است که «مقررات پوشش» را رعایت نکرده اند و در صورت تکرار، «با اختلالاتی در برنامه آموزشی خود» مواجه خواهند شد.

اعتصاب غذای دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز

دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز در اعتراض به کیفیت بد غذای سلف، روز دوشنبه ۲۴ مهرماه، ظروف غذای خود را در مقابل سلف رها کردند.

تشکیل پرونده قضایی جدید برای لیلیا حسین زاده



لیلیا حسین زاده، دانشجوی تحصیلات تکمیلی رشته انسان شناسی دانشگاه تهران روز دوشنبه ۲۴ مهر، در اکانته اینستاگرام خود از تشکیل پرونده قضایی جدید برای خود در دادسرای اوین به اتهام «اجتماع و تبانی بر علیه امنیت ملی» خبر داد.

وی در این پست نوشت: «... پرونده‌ی جدید با عنوان اتهامی «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی» برایم باز شده که مقارن شدن این پرونده با جلسه ی دفاع پایان نامه ام و زمزمه های تعقیب قضایی پس از آن، حکایت از این دارد که این پرونده محصول تلاشهای پرونده سازان است. انواع دروغ پردازیها و فضا سازیها به خدمت گرفته شده اند تا پرونده های قضایی - انضباطی غیر قانونی، ساختگی و مضحک تشکیل شود.

ضمن شادباش به آنان که خواستار سرکوبند، مجدداً تاکید می‌کنم جلسه ی دفاع من از جانب دانشگاه برگزار شده، نمره ی پایان نامه ثبت رسمی و صورتجلسه شده است. دفاع پایان نامه ی من در سنوات مجاز تحصیلی ام انجام گرفته و تا پایان شهریور ۱۴۰۲ اساساً مشکل سنوات نداشته ام. بنابراین جلسه، قانونی و رسمی بوده و هیچ کسی به صرف حضور در آن نباید مورد برخورد قرار بگیرد، در حالی که با اتهام واهی «غیر قانونی» خواندن جلسه، به برخی حاضران آن جلسه هم فشار انضباطی تحمیل کرده اند. بیش از این بدیهیات دانشگاهی تان را به دست خودتان به تمسخر نگیرید.

اگر کسی در آن جلسه حرف زده من بوده ام و با خودم طرف شوید. راحت و بی این همه سناریویافی بیان کنید که یک جلسه و پژوهشی دانشگاهی را هم نمی‌توانید تحمل کنید...»

بیانیه جمعی از دانشجویان دانشگاه هنر اصفهان

در این بیانیه که در روز دوشنبه ۲۴ مهر با عنوان «پادگان نمی‌خواهیم» منتشر شده آمده است: «... با شروع ترم جدید، حاکمیت از هیچ تلاشی برای معنازدایی از دانشگاه دریغ نکرد. از افزایش تعداد دوربینها و ثبت اسکن چهره و اثر انگشت گرفته تا اعمال فشارهای سلیقه ای مامورین حراست بر دانشجویان در دانشگاه و خوابگاه، همه در روند پلیسی‌سازی فضاهای دانشجویی بوده است.



ما دانشجویان دانشگاه هنر اصفهان تلاشتان برای سرکوب دانشجو و پادگان کردن دانشگاه را پوچ می‌کنیم. چرا که خم نمی‌شوند تنهایی که شوریدن برای آزادی را دیده اند.

تلاش بی وقفه حراست دانشگاهها برای امنیتی کردن دانشگاه، لزوم بازپس‌گیری و بازتعریف فضاهای دانشجویی را آشکار می‌کند. گسترده بودن این دسته از اقدامات به لحاظ ماهیت و معنا در اغلب دانشگاهها، موضع کلی حاکمیت علیه جنبش دانشجویی را مشخص کرده است. غافل از اینکه جنبش دانشجویی و رای مرزهای مکان و زمان تداوم می‌یابد. در برابر دانشجویان متحد، دانشگاه به پادگان دیگری میان پادگانهای رو به افولتان بدل خواهد شد...»

اعتراض دانشجویان دانشگاه الزهرا

روز شنبه ۲۹ مهر، دانشجویان دانشگاه الزهرا در اعتراض به کیفیت پایین غذای سلف از خوردن آن امتناع کردند و در محوطه سلف سینههای خود را بر روی زمین چیندند. با وجود اینکه تنها چند هفته از آغاز سال تحصیلی گذشته، این چندمین بار است که دانشجویان دانشگاه های مختلف به بی کیفیت بودن غذای سلف اعتراض می‌کنند.

گرامی‌داشت یاد آرمیتا گراوند

بامداد روز یکشنبه ۹ مهر، آرمیتا گراوند، اهل کرمانشاه، دانش آموز ۱۶ ساله هنرستان دولتی عروه الوتفی در منطقه ۱۱ تهران، در خط ۴ مترو میدان شهدا به علت ضرب و شتم مزدوران رژیم بیهوش و به گما رفت. ماموران امنیتی با تهدید پدر و مادر زنده یاد آرمیتا، آنان را پیرامون این جنایت وادار به سکوت کردند و حتی هنگامی که با تاخیر خبر جانباختن او را به خانواده اش اعلام کردند، نظر خانواده او برای خاکسپاری در تهران را نپذیرفتند. اما جامعه به خوبی می‌داند که قاتل او ماموران حکومت کودک‌کش جمهوری اسلامی هستند. برای گرامی داشت نام و یاد آرمیتا، عکسها و دلنوشته های بسیاری در سطح کشور و از جمله در دانشگاهها به شیوه های گوناگون پخش شد.

روز یکشنبه ۳۰ مهر، دانشجویان دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه تهران با نصب پوسترهای جاوید نام آرمیتا گراوند در کلاسها و کریدور دانشگاه، یاد وی را گرامی داشتند.

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: کانال تلگرامی دانشجویان پیشرو، کانال تلگرام شوراهای صنفی دانشجویان کشور، کانال دانشجویان متحد، دیده بان ایران، صدای آمریکا، کانال دانشجویان پیشرو، رادیوفردا، بهارنیوز، بی بی سی، دوچه وله)

جنبش رنگین کمان بیشماران (مهر ۱۴۰۲)

گردآوری و تنظیم: پویا رضوانی

سه شنبه ۴ مهر

*شماری از بازنشستگان کشوری، با در دست داشتن پلاکاردها و سردادن شعارهای اعتراضی، مقابل ساختمانهای صندوق بازنشستگی کشوری شهرهای سنندج، قم، کرمانشاه، ایلام، قزوین، اهواز و همدان تجمع برگزار کردند.

چهارشنبه ۵ مهر

*جمعی از بازنشستگان تامین اجتماعی شوش، کرخه و هفت تپه مقابل ساختمان فرمانداری شوش و دفتر مجلس نشین این شهر دست به تجمع زدند.

شنبه ۸ مهر

*شماری از کارکنان رسمی، شرکتی و بازنشستگان مخابرات استان آذربایجان شرقی در محوطه ساختمان مرکزی مخابرات استان واقع در تبریز، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

یکشنبه ۹ مهر

*بازنشستگان تامین اجتماعی مقابل ساختمان ادارات تامین اجتماعی شهرهای کرمانشاه، شوش و اهواز دست به تجمع زدند.

*بازنشستگان صنایع فولاد به صورت جداگانه مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد شهرهای اصفهان و قائمشهر، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

دوشنبه ۱۰ مهر

*تجمع بازنشستگان مخابرات در شهرهای کرمانشاه، اهواز، اصفهان، ساری، خرم آباد، اردبیل، شیراز، تهران، رشت، ارومیه، زنجان، اراک و سنندج.

*جمعی از پرسنل بازنشسته دانشگاه آزاد تهران مقابل ساختمان این دانشگاه دست به تجمع زدند.

سه شنبه ۱۱ مهر

*شماری از بازنشستگان کشوری، با در دست داشتن پلاکاردهایی با محتوای اعتراضی، مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی کشوری در اهواز تجمع برگزار کردند.

یکشنبه ۱۶ مهر

*جمعی از بازنشستگان تامین اجتماعی مقابل ساختمان ادارات تامین اجتماعی شهرهای اراک، کرمانشاه، اهواز و شوش تجمع اعتراضی برگزار کردند.



*شماری از بازنشستگان فولاد تهران، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد کشور دست به تجمع زدند.

دوشنبه ۱۷ مهر

تجمع بازنشستگان مخابرات در شهرهای اهواز، کرمانشاه، ساری، تهران، خرم آباد، اردبیل، اصفهان، ایلام، سنندج، اراک، ارومیه، رشت، زنجان، زاهدان و بندرعباس.

اکثریت مردم ایران که در فقر و فلاکت زندگی می کنند، هر روز شاهد فاجعه جدیدی می شوند. در ماه گذشته نبود شیر خشک، فشار طاقت فرسایی را بر خانواده هایی که کودکان شیرخوار دارند وارد کرد. رسانه های حکومتی چند خبر پیرامون این فاجعه منتشر کردند.

روزنامه خبر جنوب در روز دوشنبه ۱۷ مهر خبر داد که «پای چند آقازاده بی رحم بر حلقوم نوزادان» است. همه می دانند که این آقازاده های بی رحم، فرزندان افراد تاثیر گذار حکومت به خصوص در سپاه پاسداران هستند. در ماه گذشته در زاهدان شاهد خیزشهای توده ای روزهای جمعه به خصوص در سالگرد «جمعه خونین» بودیم.

نیروهای کار در ماه مهر ۲۲۱ روز دست به حرکت اعتراضی زدند که مهمترین آن جنبش سراسری بازنشستگان و حرکتیهای اعتراضی کارگران صنایع نفت، گاز و پتروشیمی بود. کوتاه شده گزارش این حرکتها را در زیر خواهید خواند. حرکتیهای اعتراضی معلمان و دانشجویان جداگانه در همین شماره ماهانه نبرد خلق پوشش داده می شود.

جنبش سراسری بازنشستگان

دوشنبه ۳ مهر

*تجمع بازنشستگان مخابرات در شهرهای کرمانشاه، رشت، اردبیل، خرم آباد، اهواز، شیراز، اصفهان، اراک، زنجان، سنندج، زاهدان، همدان، بندرعباس و تهران.

به گزارش شورای بازنشستگان ایران، بازنشستگان معترض خواستار اجرای کامل آئین نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی خود هستند.

*شماری از بازنشستگان تامین اجتماعی خوزستان مقابل ساختمان این شرکت در اهواز دست به تجمع زدند. بازنشستگان معترض خواستار ترمیم مستمری ماهانه، برخورداری از درمان رایگان و خدمات رفاهی مکفی و اجرای باقیمانده همسان سازی حقوق و پرداخت معوقه ی آن از سال ۹۹ تاکنون هستند. اجرای باقیمانده همسان سازی حقوق و پرداخت معوقه ی آن از سال ۹۹ تاکنون، از دیگر مطالبات بازنشستگان معترض است.

*جمعی از بازنشستگان شرکت نفت مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی در تهران تجمع برگزار کردند.



جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۲

سه شنبه ۱۸ مهر

تجمع بازنشستگان کشوری در شهرهای سنندج، قزوین، همدان، شیراز، کرمانشاه و اهواز.

چهارشنبه ۱۹ مهر

*شماری از بازنشستگان تامین اجتماعی مقابل ساختمان اداره تامین اجتماعی در اهواز دست به تجمع زدند.

یکشنبه ۲۳ مهر

*جمعی از بازنشستگان تامین اجتماعی مقابل ساختمان ادارات تامین اجتماعی شهرهای اراک، کرمانشاه، اهواز، دزفول، مشهد و شوش تجمع اعتراضی برگزار کردند.

شنبه ۲۹ مهر

جمعی از بازنشستگان بانک صادرات، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان مقابل ساختمان سپهر واقع در تهران، دست به تجمع زدند.

*شماری از کارکنان و بازنشستگان بانک ملت، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، مقابل ساختمان مرکزی این بانک در تهران دست به تجمع زدند.

یکشنبه ۳۰ مهر

*جمعی از بازنشستگان تامین اجتماعی مقابل ساختمان ادارات تامین اجتماعی شهرهای اراک، کرمانشاه، اهواز، دزفول و شوش تجمع اعتراضی برگزار کردند.

*جمعی از بازنشستگان فولاد، مقابل دفتر کانون بازنشستگان رودبار در گیلان و ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد در اهواز، تهران و اصفهان دست به تجمع اعتراضی زدند.

حرکتهای اعتراضی کارگران نفت و گاز و پتروشیمی

دوشنبه ۳ مهر

*جمعی از نیروهای اخراجی □ راست شرکت نفت و گاز گچساران در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات خود مقابل دفتر این شرکت دست به تجمع و تـاـصـن زدند. به گزارش هـرانا، این تجمع در اعتراض به هفت سال بلاتکلیفی این نیروها صورت گرفته است.

به گفته یکی از این نیروها؛ مجوز به کارگیری و استخدام آنها یک سال پیش صادر شده است، اما تاکنون هیچ عکس العملی از شرکت نفت دیده نشده است.

*کارکنان سابق شرکت پالایش گاز هویزه خلیج فارس مقابل این شرکت دست به تجمع زدند. به گزارش بی بی سی، گفته شده این تجمع در اعتراض به اخراج آنها و استخدام افرادی غیر بومی تشکیل شده است. در ویدیوهای منتشر شده ماموری دیده می شود که به معترضان توضیح می دهد این تجمع غیرقانونی است. همچنین در یکی از ویدیوها شنیده می شود که یکی از کارگران عرب خوزستانی می گوید: «با ما چه کار می خواهید بکنید؟ □ داخل ما را هم ایرانی در نظر بگیرید.»

*کارگران شرکتهای فلات قاره ایران برای اعتراض به تعیین سقف □ فوق برای اعتراض به تعیین سقف □ فوق دست به تجمع در سکوهای بهرگانسر، فروزان، رسالت، ابوذر و جزیره خارک زدند و خواستار □ ذف کامل سقف □ فوق و پرداخت دستمزد طبق قوانین استخدامی شدند.

یکشنبه ۹ مهر

*جمعی از کارکنان شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب مقابل ساختمان مدیریت این شرکت در اهواز تجمع برگزار کردند. به گزارش شورای بازنشستگان ایران، این تجمع در اعتراض به عدم پرداخت کامل پاداش سنوات بازنشستگی و سایر مطالبات این شهروندان صورت گرفت.

چهارشنبه ۱۲ مهر

*شماری از کارکنان پتروشیمی آبادان، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان مقابل این شرکت، دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، کارکنان در این تجمع با اعتراض به عقب افتادن □ فوق این ماه خود، خواهان اصلاح طرح طبقه بندی مشاغل و تبدیل وضعیت کارکنان از ایثارگری به رسمی شدند.



*بازنشستگان فولاد در شهرهای رودبار (گیلان) و اصفهان دست به تجمع اعتراضی زدند.

دوشنبه ۲۴ مهر

*تجمع بازنشستگان مخابرات در شهرهای اهواز، اراک، خرم آباد، اردبیل، ایلام، زاهدان، زنجان، ارومیه، رشت، اصفهان، کرمانشاه، شیراز، سنندج، کرمان، ساری، تهران، تبریز، همدان، بندرعباس و دزفول. معترضان در تهران پاسدار «مجید سلطانی»، مدیرعامل فاسد شرکت مخابرات کشور، و «عیسی زارع پور»، وزیر فاسد «ارتباطات»، را خیانتکار نامیدند.

*شماری از بازنشستگان صدا و سیما در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان مقابل مسجد بلال صدا و سیما واقع در تهران تجمع برگزار کردند.

سه شنبه ۲۵ مهر

*شماری از بازنشستگان کشوری با در دست داشتن پلاکاردها و سردادن شعارهای اعتراضی، مقابل ساختمانهای صندوق بازنشستگی کشوری شهرهای سنندج، کرمانشاه و اهواز تجمع برگزار کردند.



برخی دیگر از حرکت‌های اعتراضی

شنبه یکم مهر

* شماری از کارکنان آیفای شوش با تجمع در این اداره خواستار پرداخت حقوق‌های معوقه خود شدند. به گزارش ایلنا، برخی از پرسنل بین ۶ تا ۱۰ ماه حقوق معوقه دارند و علاوه بر آن اختلاف زیاد حقوق بین پرسنل وجود دارد. معترضان گفتند: برخی از پرسنل چندین سال بیمه پرداخت نشده دارند چرا که در گذشته زیر نظر پیمانکار بودند و پیمانکار نیز بیمه آنها را پرداخت نکرد و در حال حاضر مدتها پیگیر این موضوع هستند. مشکلات مالی در بین برخی پرسنل باعث بروز مشکلات خانوادگی شده که اگر به این موضوع رسیدگی نشود آسیبهای اجتماعی در بین خانواده‌ها را در پی خواهد داشت.

* کارگران کارخانه سپمان ارومیه با مطالبه افزایش دستمزد دست از کار کشیدند و اعتصاب کردند. به گزارش گروه اتحاد بازنشستگان، معترضان گفتند؛ در حالی که مدیران کارخانه بیش از ۶۰ میلیون حقوق دریافتی دارند، کارگران با حقوق ۱۲ میلیون تومانی نمی‌توانند امرار معاش کنند. این در حالی است که کارگران پیمانی تا ۲۵ سال سابقه کار تنها ۷ میلیون حقوق دریافت می‌کنند.

* جمعی از کارگران شهرداری یاسوج در یکی از خیابانهای این شهر دست به تجمع زدند. به گزارش عصرنا، به گفته این کارگران، از خرداد ماه تاکنون، حقوق معوقه و بیمه آنها پرداخت نشده است. آنها به وضعیت بد معیشتی خود اعتراض داشته و با برگزاری این تجمع خواهان رسیدگی به مطالبات خود شدند. کارگران شهرداری یاسوج پیشتر در تاریخ ۲۵ شهریور نیز در مقابل ساختمان استانداری کهگیلویه و بویراحمد واقع در یاسوج دست به تجمع زده بودند.



دوشنبه ۳ مهر

* کارگران آزادراه زنجان - تبریز که به دنبال الکترونیکی شدن عوارضی از کار اخراج شدند دست به تجمع مقابل استانداری زنجان زدند و خواهان پایان دادن به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی خود شدند.

* جمعی از کارگران ابنیه فنی ناحیه درود از ایستگاه بافق تا زرنند مقابل ساختمان استانداری کرمان دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، به نقل از یکی از کارگران آمده است؛ پرداخت مطالبات سنواتی حدود سیصد و پنجاه کارگر از سال ۱۳۹۲ به تاخیر افتاده و درخواست این کارگران، تسریع در اجرای طرح طبقه بندی مشاغل است. وی در ادامه بیان داشت؛ کارگران چندین سال است مطالبات عرفی و مناسبتی خود را طبق بخشنامه مدیریت راه آهن به کارگران این ناحیه ریلی دریافت نکرده‌اند.

* تجمع مردم شهرکرد در اعتراض به واگذاری مدرسه فارابی برای ایجاد کمپ ترک اعتیاد در اشتفتک این شهر.

* تجمع دامداران مجتمع دامگستر مقابل سازمان بازرسی کل کشور در اعتراض به تخریب غیرقانونی دامداریها و مانع تراشی در مسیر تولید شیر و گوشت. به گزارش ایلنا، مجتمع دامگستر فشافویه، بزرگ ترین مجتمع گاو شیری کشور

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۳

* جمعی از کارگران پتروشیمی رازی در بندر خمینی از انجام فعالیت‌های خود امتناع کرده و برای ششمین روز متوالی دست به اعتصاب زدند. به گزارش شورای بازنشستگان ایران، در حالی اعتصاب کارگران پیمانی پتروشیمی رازی وارد ششمین روز خود شده که مسئولان شرکت نه تنها به خواسته کارگران اعتصابی توجهی نکرده‌اند بلکه از شیوه‌های گوناگون برای اعمال فشار به کارگران استفاده می‌کنند.

شنبه ۱۵ مهر

* کارگران پتروشیمی هگمتانه برای اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و عدم پرداخت ۶ ماه حقوق دست به تجمع مقابل استانداری همدان زدند. به گزارش ایلنا، معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری همدان ضمن تأیید تجمع کارگران پتروشیمی هگمتانه، گفت: مدیران شرکت پتروشیمی هگمتانه هیچ عزمی برای راه اندازی این کارخانه و اجرای واحد ندارند.

یکشنبه ۱۶ مهر

* تجمع کارگران عملیاتی در شرکت بهره برداری نفت و گاز مسجد سلیمان

دوشنبه ۱۷ مهر

* به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارکنان رسمی شرکت نفت شاغل در منطقه خارگ برای دومین روز متوالی در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان در محل کار خود دست به تجمع زدند. همزمان کارگران مناطق عملیاتی صنعت نفت در سکوهای ابودر منطقه خارک و فروزان شرکت نفت فلات قاره دست به تجمع زدند.

آدینه ۲۱ مهر

* کارگران ارکان ثالث پالایشگاه نفت آبادان با در دست داشتن پلاکاردهایی در مصلی نماز جمعه آبادان تجمع کردند. به گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث)، مطالبه اصلی کارگران ارکان ثالث، حذف شرکت‌های پیمانکاری تأمین نیروی انسانی است که بارها در مناسبت‌های مختلف این مطالبه را اعلام کرده‌اند.

مطالبه دیگر همکاران ارکان ثالث ما اجرای طرح دقیق طرح بندی مشاغل و محاسبه آن از ابتدای سال ۱۴۰۲ است که با این کار مبلغی به دستمزدها اضافه می‌شود. اما انجام این مطالبه در پیچ و خمهای اداری گیر کرده است.

دوشنبه ۲۴ مهر

* شماری از کارکنان رسمی وزارت نفت شاغل در میدانهای نفتی فروزان، بهرگانسر و ابودر متعلق به شرکت نفت فلات قاره ایران واقع در استان بوشهر، در محل کار خود دست به تجمعات اعتراضی زدند. به گزارش شورای بازنشستگان ایران، «حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی و عودت کسورات مزاد مالیات» از جمله مطالبات این کارگران است.

شنبه ۲۹ مهر

* جمعی از کارکنان قراردادی شرکت مناطق نفت خیز جنوب، با برگزاری تجمع اعتراضی مقابل ساختمان این شرکت واقع در اهواز، خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. به گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، کارگران قراردادی شرکت نفت خواهان مشابه سازی کامل نظام حقوق و دستمزد کارکنان قرارداد موقت و اجرای کامل مصوبه‌ی دی‌ماه ۱۴۰۰ شورای اداری و استخدامی صنعت نفت هستند.

یکشنبه ۳۰ مهر

* جمعی از کارکنان شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاچاری، برای هشتمین روز متوالی در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، مقابل ساختمان مدیریت این شرکت دست به تجمع زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران، مطالبات کارگران معترض؛ حذف کامل سقف حقوق و حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی و عودت کسورات مزاد مالیات» از جمله مطالبات این کارگران است.

* جمعی از کارکنان رسمی وزارت نفت شاغل در دو منطقه عملیاتی جزیره سیری و جزیره خارگ واقع در استانهای بوشهر و هرمزگان در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان دست به تجمع زدند. «حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی و عودت کسورات مزاد مالیات» از جمله مطالبات این کارگران است.

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۴

از دهه ۶۰ با هدف انتقال دامداریهای سطح شهر تهران، راه اندازی و به مرور از منطقه ای متروکه تبدیل به بزرگ ترین مجتمع دامپروری کشور شد که نقش زیادی در تامین شیر و گوشت مورد نیاز دارد. اما طی یکی دو سال اخیر، برخی نهادها به موضوع دامگستر فشافویه حساس شده و در چند نوبت تعدادی از واحدهای دامداری این مجموعه را تخریب نمودند.

*شماری از کارگران یک شرکت پیمانکاری در منطقه ویژه اقتصادی خمینی واقع در استان خوزستان، در اعتراض به مطالبات معوقه خود، مقابل سایت یک منطقه ویژه اقتصادی تجمع برگزار کردند. به گزارش ایلنا، کارگران حاضر در این تجمع می گویند: «وضعیت به وجود آمده در حالی ست که جدا از تاخیر شش ماهه در پرداخت حقوق، عیدی و سنوات چند سال گذشته به همراه حدود ۴ ماه حق بیمه کارگران به تامین اجتماعی واریز نشده و از قرار معلوم پیمانکار نیز پروژه را به همراه ما کارگران رها کرده است.»

سه شنبه ۴ مهر

*کارگران و کارکنان نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن کرمان بابرپایی تجمع مقابل استانداری کرمان و در محل کار به اعتراض شان نسبت به عدم پرداخت حق سنوات، اجرا نشدن طرح طبقه بندی مشاغل و وعده های توخالی مسئولان ادامه دادند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران معترض ابنیه فنی راه آهن درود گفت: به نظر می رسد مسئولان استان کرمان بعد از گذشت چند روز از آغاز اعتراض کارگران ابنیه فنی درود، هنوز پیگیر مطالبات کارگران نیستند. وی افزود: مهم ترین خواسته کارگران پرداخت معوقات سنواتی ده سال گذشته، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و تضمین امنیت شغلی کارگران است.

*کارگران شهرداری برای اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق و حق بیمه و سایر مطالبات شان توسط شرکتهای پیمانکاری دست به تجمع مقابل شهرداری این شهر در استان سیستان و بلوچستان زدند.

*کارگران واحد لوله مسی کارخانجات مهر اصل تبریز در اعتراض به عدم رسیدگی مسئولان به مطالبات خود فعالیتهای شغلی را متوقف کرده و دست به اعتصاب زدند.

چهارشنبه ۵ مهر

شماری از کارگران کارخانه فولاد خزر واقع در شهرک صنعتی رشت در محوطه این کارخانه دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران در این خصوص گفت: «از ابتدای شهریورماه سال جاری تولید در این واحد تولید کننده انواع شمشهای فولادی به بهانه مشکلات مالی متوقف شده و حدود ۴۰۰ کارگر این کارخانه وضعیت شغلی بلاتکلیفی دارند. وی در ادامه افزود: «یک ماه است که حقوق و بیمه کارگران به همراه برخی مزایای حقوقی توسط کارفرما پرداخته نشده اما نگرانی بیشتر کارگران نداشتن امنیت شغلی و وضعیت بلاتکلیف آنها در کارخانه است.»

*کارگران شاغل در کارخانه شستشوی طلای قلفله واقع در محدوده روستای «مازواره» سقز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه خود دست به اعتصاب زدند. به گزارش گروه اتحاد بازنشستگان، پرسنل این کارخانه که در خط استحصال طلای معدن قلقه کار می کنند، حقوق سه ماه گذشته خود را تاکنون دریافت نکرده اند.

پنجشنبه ۶ مهر

*کارگران نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن قم در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات خود اعتصاب کردند.

یکشنبه ۹ مهر

*کارگران نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن لرستان و زاگرس (شرکت تراورس) برای اعتراض به عدم پرداخت حقوق دست از کار کشیدند.

*اهالی عنافچه در شمال اهواز برای اعتراض به جمع آوری پل ارتباطی این دهستان به شهر ملاثانی و جابجایی با قایق دست به تجمع زدند و اجازه ندادند که فرزندان آنها با قایق به مدرسه بروند و معلمان به این دهستان وارد شوند. دهستان عنافچه با داشتن ۴۲ روستا و جمعیت ۱۵ هزار نفر از توابع شهرستان بای و در ۳۱ کیلومتری شهر اهواز واقع است. بین این دهستان و شهرستان

بای رودخانه کارون عبور می کند که مردم این منطقه برای تردد به شهرستان بای و انجام امورات زندگی خود نیاز به احداث پل دارند.

دوشنبه ۱۰ مهر

*شماری از مالکان اراضی حصار سرخ شانندیز با تجمع مقابل ساختمان کل بیدادگستری استان خراسان رضوی واقع در مشهد، خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند.

*کارگران شرکت آب و فاضلاب استان کهگیلویه و بویراحمد در این استان دست به تجمع زدند.

به گزارش کینا، باوجود مکاتبات متعدد با دستگاههای نظارتی و نهادهای مرتبط با موضوع مراجعات حضوری، مکالمات عدید، رایزنیهای بیش از پیش و تجمعات آنجانی و مستمر، نه تنها گری از کارمان گشوده نشده بلکه روز به روز اوضاع دشوارتر می شود.

*شماری از ساکنان منطقه طرک رود نطنز در استان اصفهان دست به تجمع زدند. به گزارش شورای بازنشستگان ایران، این شهروندان گفتند: کارگران برای تاسیس معدن در محدوده مناطق مسکونی، به مرور درختان منطقه را خشکانده و بخشی از محیط زیست شهرستان را به بیابان تبدیل کرده اند. شهروندان معترضان به مشکلات به وجود آمده در پی کمبود آب در این منطقه اعتراض دارند.

*جمعی از کشاورزان روستای گل گل پلدختر برای اعتراض به وارد کردن خسارت به اراضی شان در پی لوله گذاری شرکت گاز ایران آروین تجمع کردند. کشاورزان این روستا مورد ظلم شرکت گاز ایران آروین قرار گرفته چرا که این شرکت بدون اجازه مالکان وارد زمین های کشاورزی ما شده و به حفاری و لوله گذاری اقدام کرده به طوری که این اراضی دیگر قابل کشت نیست.

چهارشنبه ۱۲ مهر

*جمعی از مغازه داران مجتمع تجاری خورشید زیربیار در شهر مریوان دست به اعتصاب زدند. به گزارش کولبرنیوز، مدیر مجتمع مذکور اقدام به پلمب یکی از مغازه های مجتمع کرد. در پی این رویداد، باقی مغازه داران در اعتراض به این اقدام دست به اعتصاب زدند.

*تعدادی از کارگران شهرداری منطقه ۴ زاهدان که با سابقه کاری ۱۰ تا ۱۵ ساله از ابتدای ماه جاری بلاتکلیفی شغلی و معیشتی بسر می برند، همه روزه مقابل ساختمان شهرداری و شورای فرمایشی شهر تجمع می کنند.

*شماری از پزشکان متخصص برای اعتراض به نتایج هفتادمین دوره آزمون دانشنامه تخصصی پزشکی مقابل وزارت بهداشت تجمع کردند.

*شماری از شهروندان قره تپه و روستاهای همجوار در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، مقابل ساختمان استانداری اردبیل دست به تجمع زدند. به گزارش هرانا، تجمع کنندگان با در دست داشتن پلاکاردهایی با مضمون، «وعده و عید نمی خواهیم، ما حقمان را می خواهیم، خواستار رفع مشکلات خود شدند.

شنبه ۱۵ مهر

شماری از کارکنان شرکتی و قراردادی مخابرات در یاسوج، سقز و فارس، به صورت جداگانه مقابل ساختمان محل اشتغال خود، شماری از کارکنان مخابرات در گیلان در ساختمان محل اشتغال خود و شماری دیگر مقابل ساختمان شاهد مرکز مخابرات استان تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایلنا، حقوق نیروهای رسمی و قراردادی مخابرات هنوز پرداخت نشده و حقوق نیروهای خدمات اول، که حدود ۲۵ هزار نفر هستند، نصفه پرداخت شده است.

یکشنبه ۱۶ مهر

*به گزارش کمیته پیگیری حقوق افراد دارای معلولیت، گروهی از افراد دارای معلولیت در شهرهای کرمانشاه، ساری، اصفهان، اهواز، اردبیل، سنج، دیواندره، قم، ایزد، کرمان، شهرکرد، چابهار، اراک، کرج و مشهد مقابل اداره کل بهزیستی، ساختمان استانداری و شماری از این افراد مقابل ساختمان سازمان برنامه و بودجه در تهران دست به تجمع زدند. به گزارش هرانا، تجمع این شهروندان در اعتراض به عدم اجرای ماده ۲۷ قانون معلولان صورت گرفته است.

بقیه در صفحه ۲۶

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۵

چهارشنبه ۱۹ مهر
*تعدادی از اهالی روستای حسن حیدر (سید سعد) برای اعتراض به جاده ارتباطی نامناسب و وعده های توخالی مسئولان مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند.

دوشنبه ۲۴ مهر
*به گزارش شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، شماری از مالکان اراضی حصار سرخ شاندیز در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان مقابل ساختمان بیدادگستری کل استان خراسان رضوی واقع در مشهد دست به تجمع زدند.

سه شنبه ۲۵ مهر
گروهی از کارگران شرکت فنی ساختمانی تهران جنوب شاغل در پروژه های فاز دو صنایع پلیمر گچساران، در اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و معوقات مزدی خود در مقابل کارگاه این پروژه ها دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، کارگران حاضر در تجمع گفتند: از خردادماه سال جاری تاکنون برای دریافت معوقات مزدی خود با مشکل مواجه هستیم. درواقع آخرین پولی که دریافت کرده‌ام ۸ روز از خرداد ماه به همراه ۳۰ درصد حقوق تیر ماه است که به صورت علی الحساب پرداخت شده است. جدا از بحث معوقات مزدی دو ماه از حق بیمه کارگران به تامین اجتماعی پرداخت نشده است و در نتیجه کارگران امکان دریافت خدمات درمانی ندارند.

*تجمع فرهنگیان و خریداران خانه های تعاونیهای مسکن ۳۳ گانه تهران مقابل وزارت مسکن و همزمان تجمع رانندگان طرف قرارداد با شهرداری قم در اعتراض به کاهش حقوق.

*جمعی از کشاورزان شهرستان های جیرفت و عنبرآباد مقابل سد جیرفت دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، فرود رفعتی، یکی از فعالان حوزه محیط زیست در این خصوص گفت: «بارها کشاورزان از طریق مسئولان شهری، استانی و همچنین نمایندگان مجلس پیگیر حقابه شان شده اند اما تاکنون بی نتیجه مانده است».

پنجشنبه ۲۷ مهر
*شماری از مالکان واحد های صنفی شهرک خودرو اراک، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان مقابل ساختمان شورای این شهر، دست به تجمع زدند. به گزارش هرانا، به گفته منابع محلی، اعتراض این شهروندان نسبت به عدم اجرای کامل انتقال صنوف به این شهرک و قرار ندادن اسناد قانونی واحدها به مالکان آنها، صورت گرفته است.

*گروهی از والدین دانش آموزان سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان (سمپاد)، مقابل اداره کل آموزش و پرورش خوزستان واقع در اهواز، تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش عرشه آنلاین، تجمع این شهروندان در اعتراض به رای دیوان عدالت اداری مبنی بر آزمون مجدد سمپاد صورت گرفته است.

حرکتهای اعتراضی مالباختگان و حواله داران

سه شنبه ۴ مهر: شماری از مالباختگان شرکتهای خودرویی، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، مقابل ساختمان استانداری قزوین دست به تجمع زدند.



بقیه در صفحه ۲۷

*جمعی از کارگران مشاغل سخت و زیان آور با برگزاری تجمع اعتراضی مقابل سازمان تأمین اجتماعی استان گیلان واقع در رشت خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند.



*کارگران مخابرات روستایی سقز برای اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق دست به تجمع مقابل شرکت مخابرات این شهرستان در استان کردستان زدند. تجمع کنندگان به خبرنگار ایلنا گفتند: امروز شانزدهم مهر است اما هنوز حقوق شهریور را نگرفته ایم؛ در این شرایط تورمی، نمی توانیم با تاخیر در پرداخت حقوق کنار بیاییم.

*کارگران مخابرات استانهای البرز، ایلام، تهران، چهارمحال و بختیاری و... برای اعتراض به عدم پرداخت به موقع دست به تجمع مقابل دفتر مدیران زدند و خواهان پاسخگویی مسئولان شدند.

سه شنبه ۱۸ مهر
*جمعی از کارکنان شرکت آبفای شوشتر، دست به اعتصاب زده و در محوطه این شرکت تجمع کردند. تجمع و اعتصاب این شهروندان دلیل عدم رسیدگی به مطالبات مزدی و بیمه آنها صورت گرفته است.

*شماری از شهروندان در چابهار مقابل ساختمان اداره برق این شهرستان، دست به تجمع زدند. به گزارش حال وش، تجمع این شهروندان در اعتراض به قطعی چهار روزه برق در منطقه "مراد آباد" چابهار و ایجاد مشکلات به جود آمده برای این ساکنین در پی این واقعه صورت گرفته است.

*کارگران کارخانه رویا پلاستیک در شهرک صنعتی شماره یک سنندج دست به اعتصاب زدند.

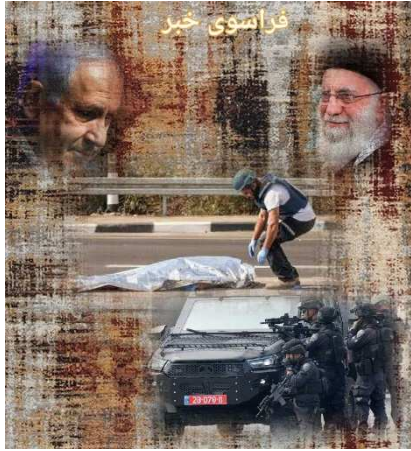
به گزارش کولبرنیوز، بیش از صد و پنجاه کارگر در این کارخانه مشغول به کار هستند. این کارگران با بیش از دو دهه سابقه کار و دوازده ساعت کار در روز، دستمزد کمتر از حداقل مصوبه قانون کار دریافت کرده و از دریافت هرگونه مزایایی نیز محروم مانده اند.

*برای دومین روز متوالی، جمعی از متقاضیان مسکن ملی برای اعتراض به عدم تحویل مسکن مقابل اداره کل راه و شهرسازی استان تجمع کردند.

*اهالی منطقه مرادآباد چابهار برای اعتراض به قطعی چهار روزه برق دست به تجمع مقابل اداره برق این شهر در استان سیستان و بلوچستان زدند. یکی از اهالی مرادآباد به گزارشگر حال وش گفت: چهار روزه در مراد آباد چابهار برق قطع شده و دانش آموزان از درس و مشق افتادند. هر روز زنگ می زنی میگویند که ساعت دیگه میاد درست میکنه ولی هیچ خبری نیست.

نقش مخرب خامنه ای در تشدید جنگ و تروریسم

زینت میرهاشمی



حمله تروریستی سازمان حماس و جهاد اسلامی در روز شنبه ۱۵ مهر به بخشی از شهرهای اسرائیل و کشتن غیر نظامیان و گروگان گرفتن آنها محکوم است. همچنین حمله دولت اسرائیل به نوار غزه و آواره و کشتن مردم غیر نظامی شدیداً محکوم است. بدون شک در این تبادل آتش، بیشترین صدمه به شهروندان غیر نظامی وارد و به آوارگی هر چه بیشتر فلسطینیان ساکن غزه منجر خواهد شد.

نام خامنه ای در قلب تفسیرها و تحلیلهای مطرح در باره رویدادهای دو روزه جنگ اخیر وجود دارد. بار دیگر دخالتگری مخرب سپاه تروریستی قدس (شاخه برون مرزی سپاه پاسداران) به سرکردگی قاتنی، و حمایتهای بیدریغ مالی و تسلیحاتی از گروههای نیابتی و مزدوران تروریست در منطقه بر سر زبانهاست. راه دوری برای تفسیر آن چه در اتاق فکر جنگ طلبان می گذرد وجود ندارد، زیرا سران رژیم آدرس خود را به جستجوگران داده اند. زمانی کوتاه قبل از آغاز جنگ، صحبتهای خامنه ای برای بر هم زدن میز نزدیکی عربستان با اسرائیل و ترمیم مناسبات کشورهای عربی با اسرائیل از یک سو و از سوی دیگر اجبار به کرنش در برابر عربستان، نشست قاتنی با سرکردگان حماس و حزب الله در لبنان و موضع گیریهای سران رژیم در دو روز گذشته، به طور کامل نشان می دهد که خامنه ای با تحمیل هزینه زیاد بر دوش مردم ایران به قیمت کشتار مردم بی دفاع فلسطین، می خواهد تئوری «اسب بازنده» خود را ثابت کند.

بدون شک منافع مردم ایران در رویدادهای دو روزه اخیر در نوار مرزی غزه و شهرهای اسرائیل، با منافع رژیم تروریستی ولایت فقیه یکسان نیست. از این منظر، مردم ایران بارها در شعارهای شان در کف خیابان و در مناسبتهای مختلف مخالفتشان را علیه جنگ طلبی و دخالتهای جاه طلبانه تروریستی حکومت اعلام کرده اند. در حالی که سران رژیم از پیروزی و شکست طرف مقابل حرف می زنند، قیمت دلار روز شنبه ۱۵ مهر به ۵۲ هزار تومان صعود کرد.

تماس تلفنی تشویقی رئیسی (قاتل ۶۷) با سران حماس و جهاد اسلامی و دادن اطمینان از طرف اسماعیل هنیه مبنی بر اینکه «عملیات نظامی از غزه به مناطق دیگر گسترش خواهد یافت»، راه اندازی تظاهرات در مجلس ارتجاع و دادن شعار و ادعای نابودی و محو اسرائیل از نقشه روی زمین، «نقطه عطف» اعلام کردن حمله حماس به اسرائیل از طرف کنعانی، اجازه تظاهرات به اوباشان طرفدار جنگ طلبی حکومت، حمایت پاسدار صفوی مشاور نظامی خامنه ای از عملیات حماس، نمایشی از قدرت پوشالی حکومتی است که پایوران آن و در راس آن خامنه ای به عدم تحقق بلندپروازیهایی خود آگاهند.

تأثیرگذاری اقدامات استبداد مذهبی ولایت فقیه در طی این چهار دهه نشان از بیشترین خدمت به نیروهای راست و جنگ طلب اسرائیل دارد. جمهوری اسلامی با تقویت تسلیحاتی و مالی سازمانهای تروریستی مخالف اسرائیل، به سرکوب نیروهای مترقی و مستقل فلسطینی یاری رسانده و هیچ روزنه ای برای پیشبرد جنبش مردم محروم فلسطین باز نکرده است، بلکه بر عکس به تقویت مظلوم نمایی اسرائیل و حمایتهای نظامی و مالی دولت آمریکا و کشورهای دیگر از اقدامات اسرائیل کمک کرده است.

بدون شک نتیجه اقدامات حماس به سود مردم فلسطین نخواهد بود همانگونه که تا حال دیکتاتوری و خشونت را در مناطق تحت کنترل خود برقرار کرده است. همچنین سیاستهای نژادپرستانه دولت اسرائیل همراه با سرکوب و نظامیگری و عدم شناخت حق مردم فلسطین برای داشتن کشوری مستقل، به رشد تروریسم و بقای حامیان سازمانهای تروریستی مثل جمهوری اسلامی یاری می رساند. خامنه ای و نتانیاهو دو طرفی هستند که دقیقاً به هم یاری می رسانند.

ایجاد دو دولت و دو ملت با به رسمیت شناختن کشور مستقل فلسطین تنها گزینه پایان جنگ فرسایشی موجود است.

فراسوی خبر ... دوشنبه ۱۷ مهر

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۵



یکشنبه ۹ مهر: جمعی از حواله داران خودروهای مونتاژی مقابل ساختمان اداره کل تعزیرات حکومتی واقع در تهران دست به تجمع زدند. به گزارش ایرنا، حواله داران شرکت های مونتاژی از جمله

میران خودرو، کرمان موتور و آرین پارس موتور (لاماری) در این تجمع خواستار بازگشت وجه اضافه دریافتی طبق قیمت های مصوبه های ۵۴۳، ۵۶۶ و ۵۹۴ شورای رقابت شدند.

تجمع کنندگان خواستار رسیدگی به گرانی قیمت خودروی لاماری برای خریداران سامانه یکپارچه و تخلفات پی در پی شرکت آرین پارس موتور شدند. **سه شنبه ۱۱ مهر:** گروهی از مالباختگان شرکتهای خودرویی «ایرتویا» و «نگین خودرو»، مقابل زندان تهران بزرگ دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش بی بی سی فارسی، چندی پیش رسانه های داخلی در خصوص آخرین وضعیت پرونده این مالباختگان اعلام کرده بودند: «اتهام متهمان این پرونده اخلال عمده در نظام اقتصادی کشور در سال ۱۳۹۷، از طریق مشارکت در قاچاق سازمان یافته تعداد ۵۴ هزار و ۳۲۳ دستگاه خودروهای خارجی به نام شرکتهای نگین خودرو، ایرتویا، آریتا و نگین خودرو ایرسا است که این خودروهای خارجی بدون رعایت تشریفات قانونی در گمرک، قاچاق و وارد شده اند.»

چهارشنبه ۱۲ مهر: شماری از مالباختگان شرکت رضایت خودرو طراوت نوین در قزوین، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان مقابل ساختمان بیدادگستری این شهر، دست به تجمع زدند. مالباختگان شرکت «رضایت خودرو طراوت نوین» شعار دادند: «اطلاعه نمی خواهیم، ما پولمان را می خواهیم» و «یا مرگ یا واریزی».

آدینه ۱۴ مهر: برای پنجمین هفته، مالباختگان خودرویی شرکت رضایت خودروی طراوت نوین برای اعتراض به تجمع در مصلا نماز جمعه با شعار «حق الناس واجب تر از نماز» و راهپیمایی در شهر قزوین با شعارهای «فکر نکنید به روزه قرار ما هر روزه»، «دادبزن حق تو فریاد بزن» و... زدند.

شنبه ۱۵ مهر: جمعی از متقاضیان خودرو شرکت سایپا مقابل ساختمان شورای رقابت در تهران دست به تجمع زدند. به گزارش رکنا، این شهروندان که یکی از خودروهای سایپا را پیش خرید کردند، در این تجمع نسبت به افزایش قیمت این خودرو پیش از تحویل آن، اعتراض کردند.

سه شنبه ۱۸ مهر: گروهی از سرمایه گذاران شرکت رضایت خودرو طراوت نوین مقابل ساختمان فرمانداری شهرستان تاکستان، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

چهارشنبه ۱۹ مهر: جمعی از مالباختگان شرکت آنیکو مقابل ساختمان قوه فاسد قضاییه در تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. / حواله داران خودروهای مونتاژی در ادامه اعتراض به گرانفروشی شرکتهای خودروساز مونتاژی مقابل دیوان عدالت اداری تجمع کردند و خواستار بازگشت مبالغ اضافه دریافتی توسط این شرکتها شدند.

شنبه ۲۲ مهر: جمعی از سهامداران بورس برای اعتراض به عملکرد شورای رقابت و توزیع رانت صدها هزار میلیارد تومانی از طریق لاتاری خودرو مقابل ساختمان شورا و مرکز ملی رقابت در تهران تجمع کردند.

یکشنبه ۲۳ مهر: گروهی از سهامداران پروژه نیکان صالحیه در اعتراض به عدم تحقق مطالبات شان، مقابل ساختمان استانداری تهران تجمع کردند. / شماری از مالباختگان صندوق جعفری پیشوا در یکی از خیابانهای ورامین دست به تجمع زدند.

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیه

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No : 469/ 23 October 2023

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

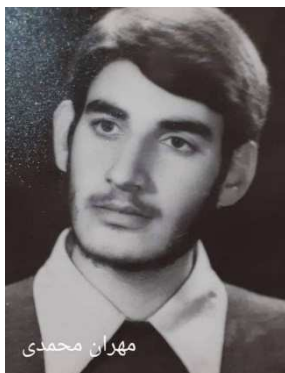
Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram @nabard_khalgh ---

https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E – KHALGH in Facebook // // // <https://www.facebook.com/nabardekhalgh>

شهادت فدایی در آبان ماه



رفقای فدایی:

شاهرخ هدایتی

- فرهاد سپهری

- محمدرضا

چمنی - محمد

رحیم خدادادی

- بهنام موحد -

عثمان کریمی -

داؤد مدائن -

محمد (اصغر)

سلیمانی - محمد

داؤد نوری -

عبدالرضا

ماهگیر - مریم

دژ آگاه - مجید راشدی - مهران محمدی - ابراهیم

شریفی - داریوش مولوی - منیژه طالبی - جهانبخش

طغیانی - عزت الله (موسی) بهرامی - جمشید دژ آگاه -

مرتضی فخر طباطبایی - عبدالله فیض الله بیگی -

عبدالرضا نصیری مقدم - سوزان نیکزاد - هوشنگ

والی زاده - عزیز پوراحمدی - علی بهروزی - عمر

صالحی - حسین مدیر شانه چی - منصور اسکندری

تربقان - علی اصغر غلامی - محمد حسین خادمی -

نصرت رئیسی - علی برنشان - محمد قادری - مینا

سهیلی زاده - ناصر شادنژاد - احمد پیل افکن - مجید

شریفی - نبی (علی) جدیدی - مظفر قادری - عبدالله

(حکمت) کردستانی - حسین رکنی - مهین جهانگیری

- علی رضا شفیعی - علی اصغر ذاکری - فرج الله

نیک نژاد - هوشنگ (همت) احمدی - محمد (اصغر)

سلیمانی - هادی اشکافی - پرویز کریمی - محمد کریم

جلیلوند - جهانشاه نجفی - ژیلار رجایی - عزت الله

(موسی) بهرامی - محمد بهرامی - علی مملی - همت

چگنی - رضا حسینی مستعان - مسعود شریفیان - حسن

جمالی - علی مولائی و... از سال ۵۰ تا کنون در ماه

آبان در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای

دموکراسی، رهایی و سوسیالیسم توسط رژیمهای شاه

و خمینی به شهادت رسیدند.

یادواره شهیدان فدایی

فدایی شهید رفیق بهنام موحد

گردآوری و تنظیم: امیر ابراهیمی

درباره: بهنام موحد فرزند جلیل متولد ۱۳۲۴ شناسنامه شماره ۱۷۰ صادره از شهرضا دانشجوی دانشگاه صنعتی آریامهر

تاریخ سند: ۲۸ خرداد ۱۳۵۶



رفیق بهنام موحد

درباره: بهنام موحد فرزند جلیل متولد ۱۳۲۴ شناسنامه شماره ۱۷۰ صادره از شهرضا دانشجوی دانشگاه صنعتی آریامهر

گزارش ساواک چهارمحال و بختیاری

متن سند:

به: سازمان اطلاعات و امنیت بیرون شماره: ۵۲۴۵۷/۹

از: سازمان اطلاعات و امنیت چهارمحال و بختیاری تاریخ: ۲۸/۳/۳۶

درباره: بهنام موحد فرزند جلیل متولد ۱۳۲۴ شناسنامه شماره ۱۷۰

صادر از شهرضا دانشجوی دانشگاه صنعتی آریامهر/۳۳۸۳۵۶

نامبرده بالا که یکی از دانشجویان اخلاک دانشگاه صنعتی آریامهر بوده در بوده در سال ۲۵۳۴ دستگیر و اخیراً از زندان آزاد گردیده است. برابر تحقیقات معموله مشارالیه مدتی است که در دانشگاه مشاهده نمی‌شود و در ترم جاری ثبت نام ننموده و خانواده وی نیز از وضعیت او هیچگونه اطلاعی ندارند. چون احتمال دارد یاد شده با زندگی مخفی به گروه‌های خرابکار پیوسته باشد با ارسال یک قطعه عکس نامبرده دستور فرمایید با استفاده از منابع و عوامل و امکانات موجود در مورد شناسایی و تعیین آخرین وضع و موقعیت وی تحقیق و با تهیه طرح لازم نسبت به دستگیری یاد شده اقدام و چگونگی را به این سازمان اعلام دارند.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت استان چهارمحال و بختیاری. کامیارا

رئیس امنیت داخلی: رضوان

رئیس عملیات: شادمانی



رفیق بهنام موحد در سال ۱۳۳۴ در خانواده‌ای سیاسی در شهرضا متولد شد. در سال ۱۳۵۲، پس از پایان تحصیلات متوسطه، در رشته مهندسی برق وارد دانشگاه صنعتی شد و از همان ابتدای ورود به‌صفت دانشجویان مبارز و انقلابی پیوست و فعالانه در اعتراضات دانشجویی شرکت داشت.

به همین دلیل سه بار دستگیر و تحت شکنجه قرار گرفت. با مقاومت رفیق بهنام، شکنجه گران ساواک نتوانستند در مورد روابط سیاسی او به اطلاعاتی دست یابند. آخرین بار در سال ۱۳۵۴ دستگیر و نزدیک به یک سال در زندان بود. پس از آزادی دوباره به «سجفخا» پیوست و زندگی مخفی را آغاز کرد.

ساواک شاه که به موقعیت این رفیق حساس بود به طور مداوم به دنبال پیدا کردن رد و نشانی از وی بود و سرانجام در دوم آبان ۱۳۵۶ در خیابان سی متری (خیابان کارگر) مورد شناسایی مزدوران ساواک قرار گرفت. رفیق بهنام فدائی وار به مقابله برخاست و طی نبردی نابرابر بر اثر اصابت گلوله جان باخت.

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم